

# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۹۳

جمعه ۱۶ آذر ۱۳۹۷، ۷ دسامبر ۲۰۱۸

**مردم اهواز، کارگران فولاد شما را به حمایت فراخوان داده اند  
به انتظار بحق آنها پاسخ دهید!**

بیش از سه هفته است که شما مردم شریف اهواز شاهد صفوف بهم فشرده کارگران فولاد علیه فقر و ظلم و بیحقوقی در خیابان های شهرتان هستید. بیش از سه هفته است فریاد رسای آنها علیه دزدان و مفتخوران را میشنوید. رهبرانشان میگویند ما تنی واحد هستیم، محکم به محکمی فولاد ایستاده ایم و حقمان را میخواهیم. میگویند دوره ای که مانند برده با ما رفتار میکردند تمام شده است. در کف خیابان میمانیم تا خواست هایمان را به کرسی بنشانیم.

بدون شك همه شما که دل خونی از وضعیت اسفبار کنونی دارید، از این مبارزه و صحبت های شورانگیز رهبران فولاد به وجد آمده اید. این مبارزه ای برای حقوق معوقه و راه افتادن چرخ های تولید این مجتمع و رفع خطر بیکاری بالای سر ۴۰۰۰ کارگر و خانواده هایشان است. این مبارزه ای در دفاع از کارگران هفت تپه و برای آزادی کارگران به بند کشیده شده است. این مبارزه ای علیه فقر و گرانی و ظلم و بیحقوقی است. این مبارزه فضا را برای همه شما، برای شما معلمان، بازنشستگان، جوانان بیکار، برای شما زنان و برای همه شما که از این اوضاع به تنگ آمده اید، در سراسر کشور باز کرده است. بی شك شما اینها را میدانید و خود را در کنار کارگران احساس میکنید. این احساس قلبی شما است و بعضا نیز در راهپیمایی های آنها شرکت کرده اید. اما نقش شما به مراتب میتواند بیش از این باشد. رهبران این مبارزه در سخنرانی هایشان خواهان حمایت فعال شما هستند.

ما نیز همراه با رهبران کارگران فولاد شما کارگران و معلمان را، شما کارگران نفت و پتروشیمی ها و شما دانشجویان و جوانان و زنان و همه مردم تحت ستم را فرامیخوانیم فعالانه و به هر شکل که میتوانید از کارگران فولاد حمایت کنید، همبستگی تان را به آنها نشان دهید و صفوف آنها را در مقابل مشتتی مفتخور قدرتمندتر سازید. به این مبارزه بیونید و همراه با آنها و همراه با خانواده هایشان اعلام کنید که کارگران هفت تپه باید فوراً آزاد شوند و خواست های حق طلبانه خود را نیز فریاد بزنید. اعتصابات متعدد دیگری نیز فی الحال در اهواز جریان دارد. باید اعتصابات را همزمان در همه مراکز به راه انداخت و اعتصاب یکپارچه ای را در شهر سازمان داد. شهر اهواز باید یکپارچه بپاخیزد و در صفی متحد و یکپارچه، همبستگی اش را با کلیه کارگران اعتصابی اعلام کند و مفتخوران را عقب براند. سرکوبگران و مفتخوران هر روز بیشتر نیرویشان آب میروند و شما این توان را دارید که درس محکمی به آنها بدهید و مانند هفت تپه ای ها و فولادی ها، الگویی از اتحاد و همبستگی را در مقابل کل جامعه بگذارید.

اصغر کریمی

از طرف حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ آذر ۱۳۸۷ (۲۰ دسامبر ۲۰۱۸)



**علی نجاتی، اسماعیل بخشی و  
سپیده قلیان  
باید فوراً و بدون قید و شرط  
آزاد شوند!**

**مجمع عمومی کارگران فولاد اهواز بر ادامه اعتراض  
تاکید گذاشت**

صفحه ۱۶

**کارگران در هفته ای که گذشت**

صفحه ۴

شهلا دانشفر

**بررسی اوضاع سیاسی افغانستان**

صفحه ۵

گفتگو با سیامک بهاری

**فدرالیسم و تجزیه طلبی طرحهایی ارتجاعی برای خون  
پاشیدن به تحولات انقلابی در ایران**

صفحه ۷

علی جوادی

**حسن روحانی و کشتی شکسته جمهوری اسلامی!**

صفحه ۹

محسن ابراهیمی

**۱۵ میلیارد یورو گم شده!  
حجاب با شتاب در حال افول است!**

صفحه ۱۰

محمد شکوهی

**جلیقه زردها چه میگویند؟**

صفحه ۱۱

پیام آذر

**اطلاعیه ها:** \*بیست و سومین روز تجمع و راهپیمایی کارگران گروه ملی فولاد اهواز - فولاد، هفت تپه، اتحاد، اتحاد \* اخباری از اعتراضات گسترده کارگری در استان خوزستان \* چهار خیر از اعتراضات کارگری \* اخباری از اعتراضات گسترده کارگری در روز دهم آذر \* قطعنامه جلسه نمایندگان معلات اتحادیه ساختمان، جنگل و انرژی واحد استان نیوسات ونس استرالیا در همبستگی با کارگران در ایران - اسماعیل بخشی و همه دستگیر شدگان نیشکر هفت تپه باید آزاد شوند \* ادامه حرکت شکوهمند کارگران فولاد اهواز در بیست و ششمین روز \* پیام کارزار "دوشنبه ها در دورنمون" در آلمان در همبستگی با دستگیر شدگان نیشکر هفت تپه \* پیام همبستگی معاون اتحادیه پست کانادا در حمایت از کارگران ایران و برای آزادی اسماعیل بخشی \* اطلاعیه شماره ۱۵: پرونده سازی جدید برای علی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه \* اطلاعیه شماره ۱۶: عمل محمدی مدافع کارگران هفت تپه و دانشجوی داروسازی دستگیر شد! \* اطلاعیه شماره ۱۷: زنده باد همبستگی بین المللی با کارگران هفت تپه و فولاد \* اطلاعیه شماره ۱۸: بیانیه ۵۱ تن از وکلای دادگستری در حمایت از حقوق کارگران معترض سراسر ایران \* میلاد عظیمی با کمک های مردم از مرگ حتی نجات یافت!

## کارگران نیشکر هفت تپه بر عملی شدن تمامی خواسته‌های خود تاکید دارند

صرفنظر از ادامه یا پایان اعتصاب، مبارزه کارگران و همه مردمی که از آنها پشتیبانی میکنند فعالانه ادامه دارد. بویژه امروز ۴ هزار کارگر گروه ملی کنار این کارگران ایستاده اند و خواستار آزادی فوری بازداشت شدگان هفت تپه هستند و این الگویی برای همه بخش‌های کارگری دیگر است که به کارگران هفت تپه پیوندند و با اعتصابات حمایتی خود خواستار آزادی بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه شوند.

وضعیت امروز نیشکر هفت تپه تاکید بیشتری بر اتکالی کارگران بر تصمیم‌گیری جمعی در مجمع عمومی شان و پاسداری از شورای مستقل کارگران است. این شرایط همچنین تاکیدی بر پافشاری بر روی خواست آزادی فوری اسماعیل بخشی رهبر محبوب شورای کارگران هفت تپه است که با بیان درد مشترک کارگران و مردم، در خلق چنین ابعادی از همبستگی نقشی تاریخی ایفا کرد. حزب کمونیست کارگری همه کارگران و مردم را به تلاش برای آزادی اسماعیل بخشی و علی نجاتی و سپیده قلیان فرا میخواند. هم اکنون کارزاری در پشتیبانی و همبستگی با مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و برای آزادی اسماعیل بخشی و تمامی بازداشت شدگان هفت تپه در جریان است. با قدرت بیشتری باید این کارزار را ادامه داد. حزب همگان را به پیوستن به این کارزار و همبستگی هرچه گسترده‌تر در ایران و در سطح بین‌المللی با کارگران هفت تپه فرا میخواند.

زنده باد کارگران هفت تپه زنده باید شورای کارگران هفت تپه  
پیش بسوی اعتصابات سراسری  
پیش بسوی ایجاد شوراها  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۴ آذر ۱۳۹۷، ۴ دسامبر ۲۰۱۸

خواست‌های خود اتفاق نظر دارند و بر خواست‌های خود پافشاری میکنند.

جمهوری اسلامی هرچند اسماعیل بخشی نماینده جسور کارگران را دستگیر کرد و این ضربه بزرگی به کارگران بود و سپس علی نجاتی چهره شناخته شده و دبیر سندیکای نیشکر را نیز دستگیر کرد، اما با این سرکوبگری‌ها نتوانست به اعتصاب پایان دهد و به انواع توطئه‌ها متوسل شد و دست به عقب نشینی‌هایی هرچند ناچیز از جمله وعده پرداخت دو ماه دیگر از دستمزد عقب افتاده و شش ماهه شدن قراردادهای کارگران اقبالی و قراردادهای یکروزه و بررسی پرونده اسماعیل بخشی زد که منجر به شروع کار توسط بخشی از کارگران شد. توسل به اینترفندها و مانورها قبل از هرچیز جایگاه قدرتمند کارگران را نشان میدهد.

کارگران نیشکر هفت تپه نزدیک به یک ماه است در اعتراض هستند و نشان دادند که چگونه میتوان مردم شهر را به همبستگی با اعتصاب کشاند، زنان و خانواده‌ها را برای همراهی شورانگیز با اعتصاب کارگران به میدان آورد، شهر را تعطیل کرد و راهپیمایی‌های شکوهمندی در سطح شهر ترتیب داد. چگونه میتوان شورا درست کرد و اداره شورایی را به گفتمانی در سطح جامعه تبدیل کردند. اعتصاب کارگران هفت تپه و حق طلبی کارگران و اشکال مبارزه آنان، به رویدادی درخشان در مبارزه عادلانه مردم تبدیل شد. این دستاوردها با هیچ درجه سرکوب و توطئه و دسیسه‌ای قابل پس گرفتن نیست و فردا در سراسر کشور طنبن این مبارزه گسترده تر خواهد شد و شوراهای کارگران و دانشجویان و کل جامعه در همه جا سر بلند خواهد کرد. بی‌جهت نیست که هفت تپه در قلب مردم جا گرفت و جنبشی فراموش نشدنی از همبستگی در داخل و در سطح بین‌المللی پا گرفت.

جمهوری اسلامی ناتوان از به شکست کشاندن اعتصاب قدرتمند و طولانی مدت کارگران نیشکر هفت تپه از مدتی قبل یک سلسله توطئه‌ها و فضا سازیها علیه کارگران را به کمک باندهای مزدور شروع کرد. در ادامه این تقلابها روز ۱۱ آذر حکومت با بسیج ارگانهای مختلف خود در هفت تپه از جمله نمایندگان مجلس اسلامی در شوش، امام جمعه و بسیج دانشجویی و دستگاه قضایی و نیروی انتظامی در هماهنگی با کاظمی کارفرمای جدید مجتمع، با توطئه‌ای دسته جمعی به قصد شکستن اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه به این مجتمع رفتند. از قبل تعدادی از عوامل خود را نیز همراه کرده بودند. بدین ترتیب با جمعی که گرد آورده بودند، و تعدادی از کارگرانی که زیر فشارهای مختلف خود را قادر به ادامه اعتصاب نمیدیدند، زنگ کارخانه را به صدا در آوردند و خودشان پایان اعتصاب را اعلام کردند. رسانه حکومتی ایلنا نیز این خبر را از قبل توی پوق کرده بود. اما بخشی از کارگران نیز بر ادامه اعتصاب ایستادگی کردند و از رفتن به سر کار خودداری کردند. به موازات این، در چند روز گذشته تبادل نظر وسیعی در میان بخش‌های مختلف کارگران برای ایجاد اتحاد هرچه بیشتر جریان دارد. کارگران تصمیم‌نهایی را موقوف به اتمام این رایزنی‌ها کرده اند.

لازم به توضیح است که روز قبل اخباری مبنی بر پایان اعتصاب منتشر شد و ما نیز در اطلاعیه‌ای اعتصاب را موقتا پایان یافته اعلام کردیم اما با خبرهای دقیق‌تری که بدستمان رسید متوجه شدیم که هرچند بخشی از کارگران کار را شروع کرده اند اما بخش بیشتری از آنها از رفتن به سر کار خودداری کرده و تلاش میکنند اتحاد صفوف کارگران را بازگردانند. آنچه روشن است کارگران نیشکر اعم از کارگرانی که فی‌الحال به سر کار رفته اند یا آنها که همچنان در حال اعتصاب هستند، همگی حول

## لیست همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه:

کرج واحد آتش نشانی قزوین رانندگان ماشین آلات سنگین معدن اراک، انجمن حمایت از رانندگان یاسوج، واحد آتش نشانی شوش و حومه، کانون صنفی آموزشگاههای رانندگی کشور، اتحادیه ماشین آلات کشاورزی شیراز.  
- کارگران گروه صنایع کاغذ پارس،  
- جمعی از رانندگان شهر اصفهان،  
- جمعی از زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر کرج،  
- جمعی از معلمان عدالتخواه،  
- حمایت ۳۰ انجمن صنفی کارگران ساختمانی امضاها زیر:  
انجمن صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی مریوان و سروآباد، انجمن صنفی کارگران ساختمانی سقز، انجمن صنفی کارگران ساختمانی دیواندره، ۴: انجمن صنفی کارگران ساختمانی کامیاران، انجمن صنفی کارگران ساختمانی برقکاران کرمانشاه، انجمن صنفی کارگران ساختمانی شهرستان نظرآباد، انجمن صنفی کارگران ساختمانی بانه، انجمن صنفی کارگران ساختمانی پاوه، انجمن صنفی کارگران ساختمانی جوانرود، کانون کارگران ساختمانی استان کردستان، انجمن صنفی کارگران ساختمانی روانسر، انجمن صنفی کارگران ساختمانی هرسین، کانون انجمن‌های کارگری (حرف) کرمانشاه، انجمن کارگران ساختمانی کرمانشاه، انجمن صنفی کارگری اسلام آباد غرب، انجمن صنفی کارگری ساختمانی پاوه، انجمن صنفی کارگری شهرستان روانسر، ۱۸: انجمن صنفی کارگران ساختمانی دهگلان، انجمن صنفی کارگری ساختمانی جوانرود، انجمن صفحه ۶

- سندیکای کارگران فلزکار مکانیک،  
- کانون صنفی فرهنگیان شهرستان الیگودرز  
- کانون نویسندگان ایران  
- نیروهای پیمانکاری وزارت نفت  
- کارگران معدن تراورتن عباس آباد  
- فرنگیس مظلوم مادر سهیل عربی  
- پخش کلیپ در همبستگی از کارگران نیشکر هفت تپه از سوی بخش‌های مختلف جامعه همچون معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و رانندگان کامیون که خود در اعتصابند، انتشار یافته است.  
- بیانیه جمعی از کارگران و خانواده‌های کارگری سندج در حمایت از کارگران هفت تپه و فولاد اهواز!  
- کارگران گروه ملی فولاد اهواز،  
- پیام حمایتی اعضای اتحادیه هماهنگ کننده رانندگان سراسر کشور با امضاها زیر است:  
انجمن صنف تاکسیرانان مازنداران، انجمن صنف اتوبوسرانی قم، کانون صنف رانندگان کامیونداران کمپرسی یزد، کانون رانندگان و کامیونداران بندر عباس، اتحادیه حمل و نقل ترانزیت ایران ترکیه، جمعی از رانندگان ترانزیت ایران ایتالیا، حمل و نقل شهری تهران و حومه، سندیکای رانندگان استیجاری شهر تبریز، انجمن رانندگان استیجاری شرکت گاز، جمعی از وکلای تهران و

- ۱۳ آذر تجمع دانشجویان دانشگاه امیرکبیر در تهران با شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد.  
- ۲۶ نفر از وکلای دادگستری ایران و فعالان حامی کارگران هفت تپه در نهم آذر ماه در محکومیت بدرفتاری و شکنجه‌ی اسماعیل بخشی و سایر کارگران بازداشتی نامه‌ای اعتراضی داده اند.  
- کارزاری تحت عنوان "کنار هفت تپه و فولاد ایستاده ایم" نیز در گروه‌های میدیای اجتماعی از سوی جمعیت زیادی از معلمان، کارگران و فعالین اجتماعی- تا کنون هزار نفر طومار اعتراضی این کارزار در حمایت از کارگران هفت تپه را امضاء کرده اند.  
- بیانیه‌ای نیز از سوی چند نفر از فعالین سیاسی، اجتماعی و جمعی از خانواده جانباختگان و زندانیان سیاسی  
- کارگران آریان فولاد بوئین زهرا در استان قزوین  
- جمعی از کارگران شاغل در شهرک‌های صنعتی جابان و خرمشهر  
- تجمع دوباره دانشجویان دانشگاه هنر تهران نیز با دست نوشته‌هایی در حمایت از کارگران نیشکر هفت و با شعار دادن و سرود خوانی  
- تجمع دانشجویان دانشگاه زنجان با در دست داشتن پلاکاردهایی در حمایت از کارگران هفت تپه اعلام کردند.  
- حمایت دانشجویان دانشگاه نوشیروانی بابل؛

## بیست هبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه

از صفحه ۶

صنعتی کارگری ساختمانی سرپل ذهاب، انجمن صنفی کارگری ساختمانی قصرشیرین، انجمن صنفی کارگران ساختمانی شهرری، وحسن اباد فشافویه، انجمن صنفی کارگری ساختمانی سنقر کلبایی، انجمن صنفی کارگری ساختمانی کنگاور، انجمن صنفی کارگران ساختمانی قروه، انجمن کارگری ساختمانی هرسین، انجمن کارگری ساختمانی صحنه، انجمن صنفی کارگران ساختمانی آبادان، کانون کارگران ساختمانی خوزستان، انجمن صنفی کارگران ساختمانی رشت

- جمعی از معلمان، کارگران و دانشجویان، گروه اتحاد بازنشستگان، شورای بازنشستگان ایران، جمعی از دانشجویان دانشگاه چمران، کارگران گروه مینا در کرج، کارگران چادرملو، آموزش و پرورش شوش و شاور، سندیکای شرکت واحد، اتحادیه آزاد کارگران ایران، انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه، فرهنگیان شاغل و بازنشسته، کارکنان کاغذپارس، کارکنان حریرپارس، کارکنان نیشکر میان آب، کارکنان و کارگران هیکو در اراک،

- دانشجویان دانشگاه جهان وطن شهر مونیخ آلمان با در دست گرفتن بنری که رویش نوشته شده "ما همه هفت تپه هستیم" حمایت دانشجویان دانشگاه زوریخ سوییس

- کنوانسیون فدراسیون کارگران بریتیش کلمبیا در ونکوور کانادا ( در این کنوانسیون بیش از هزار نماینده اتحادیه های کارگری استان بریتیش کلمبیا به نمایندگی از قریب پانصد هزار کارگر شرکت داشتند).

- بیش از ۸۰ سندیکا و تشکل کارگری از سراسر دنیا به علی خامنه ای در مورد سرکوب کارگران و معلمان نامه داده و در آن خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط اسماعیل بخشی، علی نجاتی و سپیده قلیان شد اند.

در خارج کشور نیز از سوی حزب کمونیست کارگری و تعداد دیگری از احزاب و سازمان های سیاسی آکسیونهایی در هبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه و برای آزادی اسماعیل بخشی و دیگر بازداشت شدگان سازمان داده شده است. این هبستگی ها ادامه دارد.

کمپین کمیته مبارزه برای آزادی کارگران زندانی

- کمپین اسماعیل بخشی را آزاد کنید،

- کمپین برای آزادی کارگران زندانی Free Them Now

این نیز قابل توجه است که وسعت و قدرت اعتراضات کارگران و مردم در صفوف حکومتیان هراس و شکاف انداخته و حتی "حوزه های علمیه" جمهوری اسلامی در قم، شوش، دزفول و اهواز و "جامعه روحانیت" در قم از اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه اعلام حمایت کرده اند!

- کارکنان و کارگران پتروشیمی ماهشهر، کارگران عسلویه، کارگران قند شوش، کارگران آبداران شاور، شورای کارگری بازنشستگان تامین اجتماعی، فرهنگیان شاور و شوش، کارگران اداره مخابرات، نیروهای شرکتی مخابرات، کارکنان بهداشت و درمان، فرهنگیان مشهد، بازاریان و مغازه داران شوش و... دانشجویان دانشگاه تهران، دانشجویان دانشگاه علامه، دانشجوین دانشگاه چمران، طومار اعتراضی با بیش از دویست امضاء از سوی فعالین کارگری و چهره های شناخته شده کارگری جمعی از شهروندان تهران جمعی از کارگران ساوه

### از سایر کشورها

- پیام هبستگی اتحادیه کارگری یونیفور کانادا با بیش از ۳۰۰ هزار عضو

- کنفدراسیون سراسری ایتالیا برای کار (CGIL)

- اتحادیه کارگران فورد آلمان

- اتحادیه معلمان انگلستان

- کنفدراسیون عمومی کار فرانسه (س ژت)

## بیست و سومین روز تجمع و راهپیمایی کارگران گروه ملی فولاد اهواز فولاد، هفت تپه، اتحاد، اتحاد

قدرتمندی را به پیش برند. حضور خانواده در مبارزات گروه ملی ابعاد اجتماعی تری به این مبارزات داده است. مبارزات کارگران گروه ملی شایسته وسیعترین حمایت هاست.

پیش بسوی اعتصابات سراسری  
پیش بسوی ایجاد شورا ها  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۱ آذر ۱۳۹۷، ۲ دسامبر ۲۰۱۸



سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

شهرهای شوش و اهواز و بخش های مختلف جامعه و دانشجویان در دانشگاهها روبرو شده است. يك گفتمان مهم کارگران فولاد اهواز ایجاد شوراهاى کارگری و دخالت مستقیم کارگران در رابطه با شرایط کار و زندگی شان، است. این کارگران با قدرت اجتماعات بزرگشان و تصمیم گیری های جمعی توانسته اند مبارزات

کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد"، "سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن"، "تورم، گرانی، پاسخ بده روحانی"، "کشور ما دزدخونه است، توی جهان نمونه است"، "اسلاموپله کردند، مردمو ذله کردند"، کارگران گروه ملی فولاد اهواز خواستهای پرداخت تمامی طلبها و به راه افتادن تولید تمامی بخش های کارخانه و ایمنی شغلی شان هستند.

کارگران گروه ملی فولاد اهواز، در کنار کارگران نیشکر هفت تپه يك سنگر مهم مبارزه برای کل کارگران و کل جامعه هستند. این کارگران در شعارهای اعتراضی شان بطور واقعی علیه فقر، گرانی، بی تامینی و کل بساط تبعیض و نابرابری سرمایه داری حاکم به پا خاسته اند. این اعتراضات با موجی از هبستگی از میان مردم

آزادی کارگران دستگیر شده است. زندانی هفت تپه آزاد باید گردد". جمعیت بزرگ کارگران همراه با او شعار زندانی هفت تپه آزاد باید گردد را سردادند.

نکته جالب دیگر این تجمع شرکت یکی از کارگران نیشکر هفت تپه در جمع کارگران گروه ملی بود. او با تاکید بر اینکه ما همه کارگران يك تن واحد هستیم، طی سخنانی از خواستها و مبارزاتشان و از اینکه به هیچکدام از خواستهایشان پاسخ داده نشود، سخن گفت. سخنان او با شعار فولاد، هفت تپه، اتحاد از سوی کارگران همراه شد و لحظه شورانگیزی از هبستگی کارگری را به نمایش گذاشت.

از جمله شعارهای کارگران گروه ملی در این روز عبارت بودند از: "ما کارگران فولاد، علیه ظلم و بیداد می جنگیم، می جنگیم"،

روز یازدهم آذر ماه کارگران گروه ملی فولاد اهواز در بیست و سومین روز اعتراضاتشان برای پیگیری خواستهایشان ابتدا مقابل استانداری تجمع کردند و سپس سیل جمعیت وسیع آنان در خیابانهای شهر دست به راهپیمایی زدند. در این روز حضور خانواده ها و زنان شهر اهواز در هبستگی با کارگران چشمگیر بود.

در تجمع مقابل استانداری مهدی آل میشم از رهبران کارگران سخنرانی کرد. او در سخنانش گفت: "تمام کارگران تمام بدنه کارگران یکی هستند. چه هفت تپه، چه فولاد چه جاهای دیگر. تا زمانی که این وضعیت هست و حمایتهایی که از سرمایه داران میشود، کارگر کف خیابان است. کوتاه نمی آیم. و کارگر این قدرت را دارد که حقش را بگیرد. این را ثابت میکنیم. اولین خواست ما

## کارگران در هفته ای که گذشت

### شهلا دانشفر



صنعتی فرهنگیان ایران پیرامون وضعیت معلمان بازداشتی و در رابطه با خواسته‌های پاسخ نگرفته معلمان در تاریخ هفتم آذر ماه طی بیانیه ای اولتیماتوم داد که اگر از تاریخ انتشار بیانیه آنان به مدت یک هفته معلمان بازداشتی آزاد نشوند و پاسخی به خواسته‌هایشان داده نشود، دوباره به میدان خواهند آمد. فرصت این اولتیماتوم دارد بسر میرسد و معلمان در تدارک دور دیگر از اعتراضات سراسری خود هستند.

بنا بر فراخوان شورای هماهنگی تشکل های صنعتی فرهنگیان در اعتراض به کیفیت غیر استاندارد آموزش و پرورش و وضع اسفناک معیشت معلمان و پایین آمدن قدرت خرید آنان بخاطر گرانی سرسام آور قیمت ها، معلمان در ماههای مهر ماه و آبانماه دست از کارگر کشیدند و در دفاتر مدارس به تحصن نشستند. فراخوان معلمان در این اعتراضات به خانواده های دانش آموزان و همه مردم بود و توانست همبستگی وسیع اجتماعی از سوی خانواده های دانش آموزان، دانشجویان، تشکلهای مختلف کارگری و بخش های مختلف جامعه را همراه داشته باشد. در این اعتراضات معلمان با خواستههایی چون تحصیل رایگان برای همه کودکان، درمان رایگان، افزایش حقوق ها به بالای خط فقر ۶ میلیونی، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی فوری معلمان زندانی و پایان دادن به کالایی کردن آموزش به جلو آمدند و اعتراض آنان با یک همبستگی وسیع از سوی کارگران، بازنشستگان، دانشجویان و خانواده های دانش آموزان پاسخ گرفت. معلمان با این مبارزات توانستند میخ خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان را در راس خواستههای

وضعیت خود معترض نباشند. بی شک تورم و گرانی افسارگسیخته و عدم پرداخت به موقع دستمزد کارگران در کنار سیاست های "خصوصی سازی" و "ارزان سازی نیروی کار" در بخش های صنعتی و تولیدی باعث بینواسازی گسترده کارگران و کاهش امنیت شغلی آنان شده است. فقیرسازی کارگران در کنار پولی سازی آموزش از جمله عوامل مهم در ترک تحصیل دانش آموزان است.

با آگاهی طبقه کارگر، واکنش کارگران از هپکو اراک تا معدن آق دره و ... به شرایط موجود، اعتراض گسترده به این روند ظالمانه بوده اما متأسفانه تاکنون دولت و قوه قضاییه به این مطالبات با مشت آهنین پاسخ داده و عملاً بعنوان ابزار سرکوب کارفرما عمل نموده اند. در چنین شرایطی است که کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز حدود یک ماه است در اعتصاب و اعتراض به سر می برند و ضمن تاکید بر قطع دست "مافیای" دریافت "معوقات مزدی"، بصورت جدی خواهان برچیده شدن "خصوصی سازی" هستند.

در روزهای اخیر شاهد تلاش نیروهای امنیتی از طریق احضار و تهدید گسترده برای به شکست کشاندن اعتصاب در هفت تپه بودیم که با ایستادگی کارگران پیشرو هنوز به اهداف خود نرسیده اند شیوه ای از سرکوب و ارباب که ما معلمان آن را بارها تجربه کرده و باور داریم حتی اگر هفت تپه را وادار به عقب نشینی کنند اعتراضات فردا در فولاد اهواز و روزهای دیگر در سایر کارخانه ها ادامه خواهد داشت. این بیانیه در خاتمه با حمایت از خواستههای کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز بازداشت اسماعیل بخشی و علی نجاتی را بشدت محکوم کرده است. این بیانیه بیش از پیش درد مشترک کارگران و معلمان و اتحاد طبقاتی آنان را به نمایش میگذارد.

### زمان اولتیماتوم معلمان

#### دارد بسر میرسد

شورای هماهنگی تشکل های

کل جامعه قرار داد. این الگوهای درخشان مبارزاتی را باید و میتوان در همه جا تکثیر کرد.

ضمن اینکه خود کارگران گروه ملی و نیشکر هفت تپه نیز با اتکاء بر همین نقطه قدرتهایشان و در حلقه همبستگی شورانگیزی که در سطح جامعه از مبارزات آنان شکل گرفته است، میتوانند مبارزاتشان را همچنان با قدرت به جلو ببرند. پیروزی و موفقیت کارگران نیشکر هفت و گروه ملی فولاد اهواز، پیروزی همه کارگران و کل جامعه است. کارگران نیشکر هفت تپه در پیامهایشان اعلام کردند که اسماعیل بخشی و علی نجاتی صدا و حنجره ما کارگرانند و به زعم من گفتن این حرف به معنای ارج گذاشتن به همه پیشروی هایست که به آنها اشاره کردم. یک گام فوری در مقابل کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز و همه کارگران و همه مردم آزادی فوری و بدون قید و شرط بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه، اسماعیل بخشی، علی نجاتی و سپیده قلیان است.

### یک بیانیه شورانگیز از همبستگی کارگری

شورای هماهنگی تشکل های صنعتی فرهنگیان ایران در اقدامی مهم همبستگی و حمایت خود را از مطالبات کارگران و دانشجویان اعلام داشته است. در این بیانیه بر همسرنوشتی طبقاتی کارگران و معلمان و خواستههای مشترکشان تاکید شده است. از جمله در بخشی از آن چنین آمده است: "ما معلمان وقتی مطالبه آموزش رایگان و عادلانه را مطرح می کنیم در اصل از حقوق فرزندان کارگران دفاع می کنیم، چرا که معلمان به واسطه ارتباط مستمر با دانش آموزان که اکثریت آنان متعلق به طبقه کارگر هستند به وضوح می بینند وضعیت زندگی و معاش طبقه کارگر در این یک سال نه تنها بهبود پیدا نکرده بلکه نسبت به سال های پیش دچار افول نیز شده است. تا جایی که می توان گفت از دی ماه ۹۶ تاکنون کمتر روزی بوده است که یک یا چند واحد کارگری نسبت به

حقش را بگیرد. و در صحنه زیبایی در گروه ملی فولاد اهواز شاخه کلی به تمام دانشجویان تقدیم شد که در کنار کارگران ایستادند. در این اعتراضات همچنین در برابر سرکوبگری های حکومت با شعار نه تهدید، نه زندان دیگر فایده ندارد، کارگران قد علم کردند و فریاد کارگر زندانی آزاد باید گردد، فضای خیابانهای اهواز و شوش را گرفت. و بالاخره یک اتفاق فوق العاده مهم در این اعتراضات نقش درخشان خانواده های کارگری و حضور فعال زنان در همبستگی از این مبارزات بود و هنوز هم آنها را در صف جلوی اعتراضات می بینیم که مکان اجتماعی این اعتراضات را بیش از پیش به نمایش گذاشت. اینها همه پیشروی های درخشان جنبش کارگری است که اسماعیل بخشی ها پرچمدارشان هستند. جالب اینجاست این اعتراضات آنچنان قدرتمند به جلو خیز برداشت که امروز در دانشگاه و همه جا شعار داده میشود که ما همه هفت تپه ای هستیم. ما همه بخشی هستیم. دانشجو در دانشگاه شعار میدهد و میگوید اسماعیلو گرفتند، ما همه بخشی هستیم.

اعتراضات کارگران نیشکر هفت و گروه ملی فولاد اهواز درسهای مهمی برای کل کارگران و کل جامعه در بر داشته و دارد. اعتراضات این کارگران قدرت اعتصاب کارگران را جلوی چشم آنان و کل جامعه قرارداد. این اعتراضات الگویی عملی از سازماندهی اعتصابی قدرتمند با ابعادی چنین اجتماعی و گسترده را مقابل چشم جامعه گذاشت. این اعتراضات همانطور که اشاره کردم نقش خانواده و حمایت بخش های مختلف کارگران و مردم معترض از مبارزات یکدیگر را به روشنی به نمایش گذاشت و یک ابزار مهم سازمانیابی چنین اعتصابی شکوهمند، اتکای این کارگران به مجمع عمومی و مجمع نمایندگان منتخبشان بود. به این اعتبار این اعتراضات الگوی عملی ایجاد شوراها را در برابر کل کارگران و

نیشکر هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز امروز به دو سنگر مهم پیشروی های جنبش کارگری و مبارزات کل کارگران تبدیل شده است. انعکاس صدای اعتراض کارگران هفت تپه و گروه ملی را امروز نه تنها در شهرهای اهواز و شوش بلکه در دانشگاهها و در میان معلمان و بازنشستگان و بخش های مختلف جامعه می شنویم. کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز با مبارزاتشان توانستند حمایت بخش های مختلف جامعه را جلب کنند و امروز شبکه ای از همبستگی کارگری شکل گرفته است که گفتمان آزادی، برابری و یک زندگی انسانی است.

کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی با مبارزاتشان گفتمان شوراها را به درون جنبش کارگری و کل جامعه آوردند و آلترناتیو اداره شورایی و نظارت خود کارگران و مردم بر سرنوشت و زندگیشان را به جلو آوردند.

در این مبارزات کارگران در سخنرانی هایشان و با شعارهایشان کل بساط دزدسالار سرمایه داری حاکم را به چالش کشیدند. فریادشان این بود که امروز دیگر دوره برده داری نیست که همچنان بر روی دوش کارگران اهرام مصر را ساخت. گفتند که اداره کارتان، اداره دفاع از سرمایه دار است. گفتند امنیت ملی پوچ است و امنیت یعنی امنیت ما کارگران و ما مردم و نه اینکه بخاطر مشتی سرمایه دار، کارگر را به اسم "اخلال در امنیت ملی" اسیر و زندانی کنید. و بدین ترتیب کارگران کل دم و دستگاه سرمایه داری حاکم را به چالش کشیدند.

در این مبارزات کارگران نیشکر هفت و گروه ملی فولاد اهواز از همبستگی کارگری سخن گفتند و اعلام کردند که تمام کارگران یک تن واحد هستند. از هفت تپه تا فولاد اهواز درد همه یکی است و تا وقتی این وضع باشد کارگر کف خیابان می ماند و کارگر قدرت دارد که



## بررسی اوضاع سیاسی افغانستان گفتگو با سیامک بهاری



بهروز مهرآبادی: در کنفرانس ژنو که اخیراً برگزار گردید، هیئت رسمی افغانستان از کشوری صحبت می‌کنند که در حال بازسازی و پیشرفت است. در حالیکه طالبان در بخش‌های بزرگ تری از کشور سلطه می‌یابند. این عوامفریبی است یا حقیقت؟

سیامک بهاری: وضعیت وخیم امنیتی در افغانستان برکسی پوشیده نیست. این وخامت در عرصه تأمین امنیت در همه اجزا اجتماعی آن قابل تعمیم است. فقر گسترده و بی خانمانی هزاران آواره جنگی در داخل کشور، نارضایتی و ناامیدی گسترده مردم از حکومت، فساد گسترده و سازمان یافته حکومتی، بن بست اقتصادی و گسترش روزافزون دامنه نفوذ طالبان حتی در مناطقی از شمال کشور که از آرام‌ترین و امن‌ترین مناطق محسوب می‌شدند تا انفجار و انتہار و اختطاف گسترده و آشکار، این سیمای واقعی وضعیت فلاکت بار مردم افغانستان است که بطور عامدانه، توسط اشرف غنی رئیس جمهوری و رئیس هیئت نمایندگی حکومت افغانستان در کنفرانس ژنو واژگونه نمایش داده می‌شود. این نه فقط پنهان کردن حقایق محض در باره افغانستان که یک دروغپردازی و فریبکاری سازمان داده شده است که بویژه کشورهای غربی ذی سهم در افغانستان خریدار آن هستند. همه این کشورها و در صدر آن ایالات متحده آمریکا در پیدایش این وضعیت وخیم سهیم‌اند و به اشکال مختلف در آن نقش داشته و دارند.

از زمان سقوط طالبان و برگزاری کنفرانس بن از ایجاد دولت موقت حامد کرزای تا مهندسی حکومت به اصطلاح وحدت ملی، طی این ۱۷ سال در همه فجایعی که به مردم ستمدیده افغانستان تحمیل شده است ناتو، آمریکا و متحدینش خود بخشی از صورت مسئله بحران در افغانستان بوده‌اند. همین بلوک پس از سقوط طالبان مجدداً برای بازگرداندن و استفاده از ظرفیت‌های فوق جنایتکارانه و حضور نظامی آن بعنوان بخشی از توازن قوا در منطقه تلاش کردند. طبق منافع دراز مدت سیاسی خود از سال ۲۰۰۸ مذاکره با طالبان را تشویق و طالبان را از حیث یک نیروی وحشی تروریستی - اسلامی به "برادران نازاخی" ارتقاء دادند. دفتر سیاسی طالبان در همسایگی پایگاه‌های نظامی آمریکا در قطر گشوده شد. امکان دسترسی طالبان به روابط دیپلماتیک با جهان خارج میسر گردید و مذاکرات از پشت درهای بسته به صحن علنی کشیده شد.

طی ۱۷ سال رقم نجومی و حیرت آور ۱۰۰۰ میلیارد دلار فقط توسط آمریکا در افغانستان صرف جنگ و تأمین امنیت نیروهای نظامی آن شده است. این مبلغ عظیم چیزی برابر ده‌ها سال بودجه کل کشور افغانستان است که طی هفده سال، دود شده و به هوا رفته است. رئیس جمهور افغانستان مجبور است دست به چنین صحنه سازی های رقت‌انگیزی بزند تا از نارضایتی آمریکا و شرکای غربی‌اش ولو در اذهان عمومی بکاهد. کشور را در حال پیشرفت و پروژه‌های عمرانی را در حال گسترش نشان دهد.

در حالیکه جوانان کشور برای ادامه زندگی راهی بجز مهاجرت و پناهندگی ندارند. سلطه طالبان بر بیش از نیمی از کشور گسترش یافته است. به همین دلیل بیش از ۱۰۰۰ مدرسه دخترانه عملاً بسته شده است.

بنابر آمارهای رسمی دولتی، جنگ بیش از ۵۰ هزار کشته از تلفات نظامی و غیر نظامی روی

دست مردم گذاشته است. ستاد کل ارتش افغانستان تعداد سربازان فراری از جبهه‌ها را حدود ۱۵۰ هزار نفر ارزیابی می‌کند.

درعین حال باند حکومت و حدت ملی به این امر واقفند که به سبب ناتوانی در اداره امور از وجهه کافی بویژه برای آمریکا برخوردار نیستند. وضع بسیار بدتر از آن است که حاضر شوند گوشه‌ای از آنرا علنی کنند و مسئولیت آنرا بپذیرند.

از سوی دیگر نهایتاً کمپین انتخاباتی سال آینده ریاست جمهوری در افغانستان را باید از همین حالا مهندسی کرد. کنفرانس ژنو محمل مناسبی برای این سناریوی مهندسی شده هم هست. حکومت وحدت ملی هرچه داشت و نداشت را به این کنفرانس کشاند تا فضایی مهندسی شده بیافریند که هم شرکای غربی را راضی کرده باشد و هم برای کمپین انتخاباتی آتی فرصتی خرید باشد.

در این کنفرانس نه تنها منافع مردم افغانستان نمایندگی نشد، بلکه هیولای مافیای حکومتی با همه کراهت و زمختی‌اش خود را حافظ منافع مردم افغانستان جا زد و به خیال راحت سناریویی سرتا پا دروغ را به خورد جهانیان داد و رفت!

بهروز مهرآبادی: کنفرانس صلح روسیه با پررنگ کردن طالبان و دادن جایگاه ویژه به آنها چه پیامی برای جامعه افغانستان

دارد؟

سیامک بهاری: برگزاری کنفرانس صلح مسکو در ۱۲ آبان‌ماه سال جاری با حضور نمایندگان رسمی طالبان و با شرکت و دعوت از ۱۲ کشور و با حضور هیئت ناظر از آمریکا و شرکت دادن شورای عالی صلح از افغانستان که ظاهراً یک نهاد غیر رسمی و غیر دولتی است بخوبی نشان می‌دهد که مذاکره با طالبان یک موضوع چند وجهی از منافع چندین کشور منطقه‌ای، همه همسایگان افغانستان بویژه پاکستان، هندوستان، ایران و از جمله عربستان سعودی و غیره است.

قبل از هر چیز پیام این کنفرانس این است که روسیه بعنوان برگزار کننده و سایر مدعوین هیچ سنخیتی با منافع مردم و با قربانیان جنایات بی‌شمار طالبان به عنوان یک نیروی تروریستی - اسلامی هار و درنده ندارند! بر سر منافع نظامی و رقابت هژمونیک در منطقه حاضرند دست به سازش و بند و بست بزنند.

آوردن طالبان به یک چنین کنفرانسی چیزی بجز به رسمیت شناختن جنایات این نیروی تروریستی نیست! نیرویی که باید به خاطر جنایت علیه بشریت در قفس عبرت تاریخ قرار بگیرد، رهبران و تفنگچی‌هایش محاکمه و دستشان از دامن جامعه کوتاه شود، در کمال وقاحت و بی‌شرمی پشت میز مذاکره می‌نشینند و خواستهای ارتجاعی و ضد بشری خود را علیه جامعه درد کشیده و مصیبت دیده افغانستان و میلیون‌ها مردمی که با داغ و درفش اسلام سیاسی نوع طالبان نابود شده‌اند را در فراق بال مطرح می‌کنند و طرف بند و بست و معامله دول حاضر در اجلاس قرار می‌گیرند. این نه فقط طنز گزنده تاریخ که نموداری از بربریت سرمایه داری معاصر است!

روسیه با برگزاری این کنفرانس به درجه‌ای توانسته است برگ برنده‌ای در مقابل آمریکا رو کند و مسکو را پیش‌تاز مذاکره مستقیم با طالبان و ذی‌نفوذ در

منطقه نشان دهد. تا اینجا سیاست مسکو سر راست و مستقیم با بزرگنمایی طالبان و درمحور قرار دادن آنها در کنفرانس مسکو، هم جهت با سیاست آمریکاست. فعال بودن هیئت ناظر آمریکایی در کنفرانس هم همین موضوع را تأیید می‌کند.

در عین حال روسیه رابطه‌اش را با طالبان پنهان نمی‌کند. در باره تجهیز نظامی و مناسبات امنیتی با آنان سکوت می‌کند. اما پاسخ مثبت دفتر سیاسی طالبان به شرکت در کنفرانس مسکو که ماه‌ها پیش از برگزاری آن اعلام شده بود، بخوبی قسمتی از پازل منافع نیروهای مداخله‌گر در اوضاع سیاسی افغانستان را نشان می‌دهد. این به درجه‌ای به معنی نزدیکی بیشتر مسکو به پاکستان بعنوان پدر معنوی طالبان، هم جهتی افزون‌تر با جمهوری اسلامی ایران و تحقق بخشی از خواست طالبان برای به رسمیت شناختن امارت اسلامی طالبان است.

اما مسکو با حقایق بنیادی و نهادینه طالبان هم آشناست. طالبان یک حزب سیاسی با یک مرکزیت واحد نیست. ده‌ها جناح و دسته با روابط پنهان و آشکار با کشورها و نیروهای تروریستی و اسلامی منطقه تحت نام طالبان فعالیت نظامی تروریستی دارند. اما نهایتاً از رهبری طالبان حرف‌شنوی دارند.

رهبری طالبان نیز به همین مصداق مستقل و صاحب اختیار نیست. آنچه به نام دفتر سیاسی طالبان در قطر فعالیت دارد و در مذاکرات و نشست‌های دیپلماتیک شرکت می‌کند و توسط جمهوری اسلامی ایران به کنفرانس اسلامی تهران دعوت می‌شود نیز تام‌الاختیار نیست. منفعت استراتژیک کنترل و به بازی گرفتن طالبان هم همین است که بعنوان یک نیروی ایدئولوژیک، با بدنه تشکیلاتی نامنسجم باقی بماند. تا بتواند هرجا که لازم دانسته می‌شود، نرمش و یا سختی از خود نشان

## بررسی اوضاع سیاسی افغانستان

از صفحه ۵

دهد. جلب حمایت از طرف‌های رقیب در جنگ و دولت‌های منطقه نیز از همین راه تأمین می‌شود. نیروهایی که تحت حمایت جمهوری اسلامی ایران در پایگاه‌های سپاه قدس آموزش می‌بینند و ساز و برگ جنگی آنان تأمین می‌شود یا نیرویی که توسط پاکستان و غیره تحت حمایت قرار می‌گیرد، در نهایت زیر یک چتر عمل می‌کنند.

در حالیکه هیئت سیاسی طالبان در کنفرانس مسکو نشست است و در دفاع از منافعش چانه می‌زند نیروی نظامی آن در جبهه‌های شمال مشغول تصرف مناطق و ایجاد استحکامات جدید و بیشتری هستند.

باید تأکید کرد که روسیه و آمریکا به خوبی به این امر واقفاند که طالبان میانرو وجود ندارد. هرچه هست با هردرجه وابستگی به کشورها و جریانات دیگر تابع یک خط معین است! آنچه طالبان بر آن اسرار دارند و خط سیاسی آنان را تعیین می‌کند، به رسمیت نشناختن قانون اساسی افغانستان و نامشروع دانستن نهاد دولتی است. نمایندگان طالبان در نشست "پگواش" در دوحه قطر به صراحت اعلام کردند: "در قدم اول باید قانون اساسی افغانستان و حکومت مبتنی بر قانون اساسی لغو شود. پیرو همین سیاست نمایندگان گروه طالبان در نشست مسکو هم تأکید کردند قانون اساسی افغانستان مانع پایان جنگ است. آنان خواهان یک حکومت موقت هستند که متصرفات طالبان را به رسمیت بشناسد سپس یک قانون اساسی جدید و نظم سیاسی جدید ایجاد گردد.

کنفرانس مسکو به نتیجه خاصی منجر نشد. چنین انتظاری هم از آن نمی‌رفت. اما خطوط اساسی معینی را نشان داد که نه تنها منافع مردم افغانستان را تأمین نمی‌کند که دشمنان

رنگارنگ مردم، بر سر یک میز با یک جریان وحشی تروریست بر سر قانون اساسی و آنچه "صلح" میانمند چانه زنی می‌کنند و حاضر به بند و بست هستند! قانون اساسی افغانستان در مجموع تماما مبتنی بر شرع اسلامی نوشته شده هنوز به اندازه کافی منافع ایدئولوژیک سیاسی طالبان را تأمین نمی‌کند.

بهر روز مهرآبادی: رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا اعلام کرد طالبان در جنگ شکست نمی‌خورند! این بیان حقیقت دارد؟ بار سیاسی و طبعات اجتماعی آن چه هست؟

سیامک بهاری: ژنرال جوزف دانفورد بعنوان یکی از مهم‌ترین مقامات نظامی ارتش آمریکا قبل از هرچیز دارد یک سیاست معین را نمایندگی می‌کند. اگر طالبان را فقط یک جریان تروریستی بخواند آنوقت باید به دلیل حضور نظامی آمریکا در افغانستان به جنگشان برود. اگر آنها را شکست پذیر بنامد آنوقت مذاکره با آنها معنی ندارد.

اما استراتژی جدید آمریکا پس از بر سر کار آمدن ترامپ این بود که نه تنها از افغانستان بیرون نمی‌آید بلکه بصورت نامحدود در آنجا باقی خواهد ماند. این بخشی از استراتژی دراز مدت آمریکا در منطقه پرتحول خاورمیانه است. آمریکا برای ماندگاری در افغانستان محمل و دلیل موجهی باید بتراشد و آن بزرگ نمایی طالبان است. این بزرگنمایی در عین حال باید صورت عملی هم بخود بگیرد.

شواهد انکار ناپذیر نشان می‌دهد در تمامی جبهه‌هایی که طالبان پیشرفت کرده‌اند، خود حکومت، ارتش و نیروی نظامی را به نوعی فلج کرده است. تا قدرت مقاومت نداشته باشد.

فرماندهانی را که دست به مقاومت در مقابل طالبان می‌زدند به نوعی از میدان نبرد بیرون کشید. با پرونده سازی و پاپوش دوزی عملاً دست آنها را از جبهه‌ها کوتاه کرد.

مردمی که با کمترین امکانات دفاعی نیروهای وحشی طالب را به عقب می‌رانند ثابت می‌کند که طالبان نه تنها توان مقابله با مردم ندارند بلکه اساساً بعنوان یک نیروی مردم ستیز، مورد نفرت هستند.

پیشروی نیروهای طالبان بویژه در جبهه‌های شمال کاملاً از قبل برنامه ریزی شده است. چشم‌پوشی آگاهانه حکومت، به خون و خشونت کشاندن اعتراضات مردم علیه سازش با طالبان و پشتیبانان حکومتی شان بر هیچ‌کس پوشیده نیست.

این بزرگنمایی استراتژیک از نیرویی که حتی قدرت نظامی آمریکا هم توان مقابله با آن را ندارد، دقیقاً به معنای هموار کردن سپردن جامعه بی دفاع به دست طالبان است! این را می‌گویند که سازش و مصالحه را قابل پذیرش کنند. آمریکا می‌گوید طالبان در جنگ شکست نمی‌خورند به این دلیل که تصمیم این است و می‌خواهد شکست نخورند! سازش محرمانه با "برادران نازاضی" همین است! حکومت به اصطلاح وحدت ملی برای همین پروژه مهندسی شده است!

این نیروی تروریستی پایگاه مردمی ندارد و هر کجا که را می‌خواهد تصرف کند باید به خاک و خون بکشد و چندین هزار نفر را آواره و بی خانمان کند. در مقابله با مقاومت‌های مردمی و دولتی قادر به پیشروی نیست، این را بارها و بارها مردم تجربه کرده‌اند. تلاش آمریکا و متحدینش در تبدیل کردن این نیروی تروریستی - اسلامی به یک حزب سیاسی نه فقط خام‌اندیشی و خودفریبی جاهلانه، که دادن فرصت‌های بیشتر برای تقویت و گسترش دامنه تصرفات طالبان است. هر درجه کوتاهی و قصور در سرکوب طالبان آنرا به نیرویی گستاخ‌تر و تهاجمی‌تر بدل می‌کند!

مشخص است که طالبان برای چه می‌جنگند و چه می‌خواهند! نیروهای متحد و پشتیبان آنها کدامند!

همه بخاطر دارند که "سمیع

سادات" از مقام‌های امنیتی پیشین افغانستان فاش کرد که دستگاه‌های استخباراتی آمریکا و روسیه کاملاً واقفند که شاخه شبه قاره هند القاعده، با طالبان مناسبات و روابط سازمان یافته دارد. جهادیسلم منطقه‌ای و جهانی در تماس فعال با طالبان هستند. جریانات اسلامی آسیای میانه و اسلام‌گست‌های اوزبک در صفوف طالبان همدوش آنان می‌جنگند. موضوعی که روسیه بشدت از آن هراس دارد.

این معادله علیرغم پیچیده بودن و درهم تنیدگی منافع غرب و متحدینش، روسیه و بلوک متحد آن، و دیگر طرف‌های منازعه، به وضوح عیان و آشکار است!

تمام رمز و راز طالبان و نیروی قهر ارتجاعی شان در تهاجم جنگی آنهاست. بدون این نیروی نظامی تروریستی، طالبان محو خواهد شد! نه قومیت پرستی و نه حتی ایدئولوژی اسلامی نوع طالبان آنها را سرپا نگه نخواهد داشت و بر مردم مصیبت دیده افغانستان مسلط نخواهد کرد!

بهر روز مهرآبادی: صلح چگونگی به افغانستان برمی‌گردد؟

سیامک بهاری: بازگشت صلح و آرامش به جامعه یک آرزوی دیرینه مردم مصیبت دیده افغانستان است. بیش از ۴ دهه است موجی از توحش جریانات جهادی و طالبان و شرکا، شیرازه جامعه را دارد متلاشی می‌کند.

آنچه صلح را دست نیافتنی می‌کند نظامی است که با خون پاشیدن به جامعه می‌تواند به حیات خود ادامه دهد. حکومت به اصطلاح وحدت ملی خود یکی از بزرگترین موانع دسترسی مردم به صلح و آرامش است. صلح در دست جنگ طلبان بهانه‌ای برای ادامه سیاست‌های جنگی است!

طالبان پس از سقوط به سوراخی خزید و دچار تلاشی پس از شکست شد. عملاً بال و پرش فرو ریخت. شکست اسلام سیاسی نوع طالبان امکانی برای نفس کشیدن به جامعه داد. اما بسرعت حکومت برآمده از

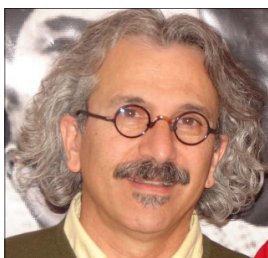
کنفرانس بن، قومیت و عشیرت را مانند ویروس مرگباری به جان جامعه انداخت. یورش قوم‌گرایی به جامعه و صدمات ناشی از آن کمتر از بلای سلطه طالبان نبود. مدنیت و اتحاد مردم به قومیت و تبار قومی تجزیه گردید. زمینیه عروج انواع نسخه‌های فدرالی و پس‌مانده‌های ارتجاعی آن فراهم گردید.

باید بر این مهم تأکید کرد که صلح با طالبان معنا ندارد! هیچ جامعه متمدنی، هیچ انسان شریفی با دزد و سارق و قاتل و آدمکش، باجگیر و تروریست مصالحه و سازشی ندارد! جامعه برای احیا مدنیت نیازمند خاتمه جنگ است. صلح با طالبان به معنی بازگشت این نیروی فوق ارتجاعی به اریکه قدرت است.

این نه پایان جنگ که ادامه توحش طالبان در شکل حکومتی و شرعیت نهادینه در ایدئولوژی طالبان است.

مردم نماینده‌ای در حکومت ندارند. هیچ لایه‌ای از ارگ و کاخ سپیدار مردم را نه نمایندگی کرده است و نه اساساً برای نمایندگی مردم ساخته شده است. این حکومت از آغاز هم هیچ انگیزی و عزمی برای خاتمه دادن به دست درازی طالبان به مدنیت و دستاوردهای ارزشمند جامعه نداشت. تمایل به صلح با طالبان بخشی جدایی ناپذیر از تشابه بنیادی و طبقاتی حاکمیت است.

کلید صلح در دست خود مردم است! این تصمیمی است که جز به قدرت مردم برای خاتمه دادن به هیولای نفرت‌انگیز جنگ عملی نخواهد شد! از سر راه برداشتن این حکومت و جرثومه برادران ناراضی اش فقط به قدرت و عزم مردم انجام خواهد شد. این امر بدون یک جریان سوسیالیستی و عمیقاً آزادیخواه که هیچ منفعت قومی، عشیرتی و نژادی نداشته باشد و برپایه آزادی و برابری استوار گردیده باشد ممکن است! این جریان می‌تواند تصمیم و عزم مردم را رهبری و به نتیجه برساند.



باشد. و همین شاخ و شانه کشیدنها در شرایط مساعد جهانی کافی است. تحولات جهانی دوران کنونی نشان داده است که حتی جریانات ناسیونالیستی و قومی حاشیه ای تحت شرایط خاصی قادرند بزرگترین جدالها و کشمکشهای خونین قومی و ملی را بر متن کوچکترین شکافهای قومی و ملی ساختگی و واقعی در جامعه بیا کنند.

### پارانویای ناسیونالیسم ایرانی

یکی از بیماریهای دیرینه ناسیونالیسم ایرانی پارانویای "تمامیت ارضی" و "تجزیه طلبی" است. این بیماری کهنه و قدیمی است. به دوران پس از شکل گیری این شاخه از ناسیونالیسم بازمیگردد. عروج این ناسیونالیسم اساسا با افق کشور سازی معطوف به غرب و استبدادی و از بالا شکل گرفت. یک نقطه قدرت این جریان ادغام اجباری و کنار زدن جریانات خانخانی و عشیرتی توسط رضا شاه و ایجاد پیش شرط یک دولت - یک کشور واحد بود. ادغام سرکوبگرانه اقوام مختلف، ایجاد حکومت مرکزی و شکل دادن به هویت ایرانی به منظور حفظ این "انسجام" و "یکپارچگی" بخشی از کارنامه تاریخی این جریان است. این پارانویا اکنون یک مشخصه و خصوصیت ژنتیک ناسیونالیسم ایران است. در میان این جریانات طیف هایی یافت میشوند که تماما نژاد پرست و آریایی پرست و با تعصبی کور هستند. جریاناتی که "تمامیت ارضی" از زبانشان نمی افتد، آماده اند که هر حرکت و تکان قومی را با اعلام آمادگی برای قشون کشی پاسخ دهند. چنین وضعیتی بیشک زمینه ساز و

فردا به گردش قلم دیگری استقلال شود. حق تعیین سرنوشت مگر جز اختیار جدایی معنی میدهد؟" واقعیت این است که این جریانات ناسیونالیست پرو غربی که تا مدتها مهر پشتیبانی و حمایت آمریکا و محافل ارتجاع غرب را به تنهایی و منحصرا در اختیار داشتند اما امروز رقیب و شریکی تازه یافته اند که سهم بیشتری از بند و بست طلب میکند.

از این رو به یکباره به یاد پاکسازیهای قومی و ملی در یوگسلاوی و سایر جداسازیها در سطح جهان و مصائب خونبار آن افتاده اند. دلشان به حال مردم نسوخته است. نگران "تجزیه خاک ایران" و نه کشتار مردم در ایران هستند. اما این یک روی سکه است. از طرف دیگر انکار هر گونه تبعیض و نابرابری میان مردم چه در این دوران و چه دوران سلطنت پهلوی. این یک بحث محوری و هویتی این جریانات است. از نقطه نظر این جریانات جامعه ایران یک "کشور با یک ملت" است. همین و بس. نه ستمی و تبعیضی بر بخشهایی از مردم منتسب به کرد و عرب و ... اعمال میشود و نه مساله ای به نام مساله کرد به رسمیت شناخته میشود و نه پیشینه ای از لشکر کشی و سرکوب اعتراضات حق طلبانه مردم در کردستان ایران در رژیمهای سلطنتی و اسلامی وجود داشته و دارد. واقعیت این است که یکی از عوامل تشدید تنش و خصومت قومی و ملی در جامعه ناشی از همین سیاست سرکوبگرانه جریانات ناسیونالیسم ایرانی است. زمانی که هر تلاش و صدای حاشیه ای "یک غائله" و "حرکت تجزیه طلبی" قلمداد میشود، نتیجتا قلدری و رشادت کودکانه جریانات رقیب قومگراها را نیز به دنبال خواهد داشت. تشدید این خصومتها میتواند نتایج فاجعه انگیزی بدنبال داشته

## فدرالیسم و تجزیه طلبی

# طرحهایی ارتجاعی برای خون پاشیدن به تحولات انقلابی در ایران

### علی جوادی

از طرح "تقسیم پذیر بودن حکومت" و "تجزیه ناپذیر بودن حاکمیت" قلمداد میگردند.

این سازش و بند و بست دوام چندانی نیاورد. فاکتورهای تغییر دهنده جهانی و منطقه ای بودند. از یک طرف برای جریانات ناسیونالیست قومگرا مسجل شد که سیاست بخشهایی از هیات حاکمه آمریکا بر حمایت از طرح فدرالیزه کردن ایران استوار است و از طرف دیگر تجربه عراق یک نمونه در پیاده کردن این سیاست در سطح منطقه را نشان داد. وضعیت در هم ریخته عراق و سهم بری جریانات ناسیونالیسم کرد در این تحولات این چشم انداز را در مقابل این جریانات مرتجع قرار داده است که سهم بیشتری را طلب کنند. به این فاکتور نیز باید کاهش هراس این جریانات از اتهام تجزیه طلبی را افزود. در تحولات و بند و بستهایی که در عراق منجر به شکل گیری حاکمیت قومی - مذهبی شد، یک عامل مهم در میزان سهم بری جریانات ناسیونالیست کرد، تهدید به جدایی و استقلال در صورت عدم قبول طرح فدرالیزه کردن عراق و ایجاد حکومت فدرال در کردستان بود. بعلاوه نقطه سازش گذشته را جریانات قومپرست در ایران با مناسبات تازه خود با بخشهایی از هیات حاکمه آمریکا و بعضا دریافت کمکهای مادی از این جریانات عملا بر هم زدند. این نکته را داریوش همایون تئوریسین جریانات ناسیونالیسم ایرانی با گله مندی اما بطور گویایی این چنین بیان کرد: "تا آمریکائیان در شمال عراق حکومتی در استان های کرد نشین بر پا نداشته بودند خود مختاری شعار حد اکثری بود که از مهم ترین سازمانهای قومی شنیده میشد. اکنون خودمختاری با دگرگونی اوضاع و احوال به یک گردش قلم فدرالیسم شده است تا

منتسب کرده اند. دیدنی و خیره کننده است. خصومت و خط و نشان کشی، جانشین بند و بست های قبلی این جریانات ارتجاعی و ناسیونالیست شده است.

قبل از تحولات معاصر در عراق و اجرای سیاست نظم نوین جهانی در زمینه ایجاد ساختارهای حکومتیهای جانشین در برخی کشورهای خاورمیانه، از جمله افغانستان و عراق، این جریانات در صلح و آرامشی نسبی با یکدیگر بسر میبردند. تحولات عراق و پس از آن، بند و بست این جریانات را بر هم زد. پیش از این، شعار و مطالبه فدرالیسم در حاشیه بود. واکنش و عکس العمل این جریانات کاملا با آنچه امروز مشاهده میکنیم متفاوت بود. خصومتها عمدتا در پشت پرده بودند و در جلوی صحنه بند و بست این جریانات روال خود را طی میکرد. در آن دوران این جریانات در توافق ضمنی با مطالبه فدرالیسم این امکان را مشاهده میکردند که میتوانند از یک طرف طرف دیگر میتوانند تضمینی از جریانات قومپرست و ناسیونالیست کرد و یا سایر شاخه های ناسیونالیسم قومگرا مبنی بر حفظ و تعهد به "تمامیت ارضی" ایران دریافت کنند. در آن سوی این معامله و بند و بست نیز جریانات قومگرا و ناسیونالیست قومی نیز میتوانند از یک طرف خود را از زیر فشار و اتهام سنتی و تاریخی تجزیه طلبی جریان "برادر بزرگتر" خود یعنی ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی خارج کنند و در ضمن این امکان را پیدا کنند تا طرح مطالبات خود و حکومت فدرال را به سیستمی فرا منطقه ای و در سطح ایران گسترش دهند. در این بند و بست جریانات ناسیونالیست عظمت طلب "طرح حکومت فدرال" را روایت دیگری

یکی از مخاطرات جدی ای که جامعه را در پروسه سرنگونی رژیم اسلامی تهدید میکند خطر ناسیونالیسم است. همزمان با تخریب مناسبات میان نیروهای ناسیونالیست قومپرست و عظمت طلب ما بار دیگر شاهد گسترش تب پارانویای تجزیه طلبی در صفوف ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی هستیم. این جریانات عظمت طلب پرچم و چماق از دست رفتن "تمامیت ارضی ایران" را بر افراشته اند. تشدید تحرکات ناسیونالیستی و قومپرستی، خصومت و کینه توزی و نفرت میان مردم در جامعه و جنگهای احتمالی قومی و ملی از پی آمدهای احتمالی گسترش تحریک ناسیونالیستی در جامعه است. سرنگونی کم مشقت رژیم آدمکشان اسلامی مستلزم حاشیه ای کردن تحریک قومپرستی و ناسیونالیسم در تحولات سیاسی آتی جامعه است. حزب کمونیست کارگری ضمن تاکید بر نقش مخرب و ویرانگر جریانات رنگارنگ ناسیونالیستی میکوشد تا جامعه را از خطرات نفوذ و گسترش سموم ناسیونالیستی برحذر کند.

### ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی و "فدرالیسم"

جریانات ناسیونالیست عظمت طلب موضع یکپارچه و یکسانی در قبال طرح مجدد و امروزی شعار و مطالبه فدرالیسم در فضای سیاسی ایران دارند. با فدرالیسم مخالفند. نه از آن رو که نگران عواقب مخرب فدرالیسم بر زندگی و امنیت و آسایش مردم هستند. نه! بلکه از آن رو که فدرالیسم را پله اول تجزیه طلبی و طرحی برای جدایی بخشهایی از ایران قلمداد میکنند. خط و نشان میکشند. تهدید میکنند. به یکباره همه و همه چیز را به توطئه "استعمار" و "اجانب"

## فدرالیسم و تجزیه طلبی ...

از صفحه ۷

موجب کشمکش‌ها و درگیری‌های خونینی در صورت تداوم خود خواهد شد.

این پارانویا معمولاً در شرایطی که این جریان‌ها در حاکمیت قرار داشتند معنایی جز لشکرکشی و سرکوب "عائله" نداشت. اما امروز که این جریان در اپوزیسیون قرار دارد مبنایی برای تغییر اولویت سیاسی این جریان در قبال رژیم اسلامی است. به همین زمختی. این یک چرخش سیاسی عظیم در صفوف این جریان است. داریوش همایون این چرخش سیاسی را چنین اعلام کرد بود: "اگر قرار است آئینده ایران را در سلیمانیه و تلویزیون الجزیره تعیین کنند و سازمان‌هایی همه سر در کشورهای همسایه ایران، جمهوری‌های فدرال عشیره‌ای خود را در غرب و جنوب ایران تشکیل دهند، بسیاری اولویتها تغییر خواهند کرد." این تغییر اولویت چیزی جز تغییر مناسبات این گرایش با رژیم اسلامی نیست. یعنی همانطور که خود گفته اند حاضرند بخاطر مقابله با شبح تجزیه طلبی در زیر پرچم رژیم اسلامی قرار گیرند. این جریان‌ها که تا دیروز فریاد تنکیو بوش، Thank you Bush را سر میدادند و در بمباران و تخریب شیرازه جامعه عراق جشن میگرفتند و خواهان تکرار این پروژه خونین در ایران بودند! امروز نگران و هراسناک از اینکه چنین سناریویی میتواند زمینه ساز قدرت گیری جریان‌ها قوم گرا و خارج شدن کنترل اوضاع از دست این جریان‌ها شود، از این رو اعلام آمادگی میکنند که حاضرند "در پشت همین حکومتی که به خون ما تشنه است، خواهیم ایستاد." به همین زمختی و به همین ارتجاعی.

اما آیا این تغییر الویت ناگهان و غیر منتظره و بدون پیشینه سیاسی است؟ پاسخ منفی است. این جریان‌ها در

جنگ ارتجاعی ایران و عراق هم نوعی "در پشت همین حکومت" ایستادند. کنترل اوضاع در تغییر الویت این جریان‌ها کلمه کلیدی است. منطق این جریان‌ها عمیقاً طبقاتی است. قدرت سیاسی میوه ای است که اگر بطور یکپارچه و یکدست از آن این جریان‌ها و نیروهای رنگارنگ این طبقه نباشد، بهتر است فعلاً در دست رژیم اسلامی باشد. این نگرش البته فقط محدود به از دست دادن بخشی از حاکمیت یکپارچه نیست. این جریان‌ها در قبال حرکت کمونیسم و طبقه کارگر هم چنین منطق و واکنشی دارند. شاید چندان بدور از واقعیت نباشد که در فردای تغییر توازن قوای سیاسی در جامعه به نفع کارگر و کمونیسم و آزادیخواهی باز هم این تغییر استراتژی و الویت تکرار شود. "حاضرند در پشت همین حکومت باشند؟" انتخاب این جریان‌ها در تحولات آئینده هم از همین منطق پیروی میکند. شاید اگر انتخاب آتی انتخابی بین رژیم اسلامی و یک نظام آزاد و برابر، یک جمهوری سوسیالیستی باشد، این جریان‌ها رای شان به حفظ وضع موجود باشد. حاضرند مردم اسیر رژیم طاعون اسلامی باشند تا اینکه قدرت در دست کارگر و توده‌های مردم قرار گیرد.

رژیم اسلامی هم این پارانویا را میشناسد و روی آن سرمایه گذاری کرده است. یکی از ترفندهای رژیم اسلامی بهره برداری از این شکافها و خصومت‌های قومی و ملی در سطح جامعه و تلاش برای تاثیر گذاری در صفوف اپوزیسیون ملی گرا و قومگرا است. بخشی از تبلیغات دوم خرداد بر این پایه استوار بود که چنانچه رژیم سقوط کند جامعه ایران تجزیه و تکه تکه خواهد شد و نتیجتاً "تمامیت ارضی" ایران از بین خواهد رفت. و با این تبلیغات تا حدودی هم در جلب حمایت و کمک جریان‌ها مشروطه خواه در حمایت از رژیم اسلامی اصلاح شده نیز موفق بود. ستوال

اینجاست: نیرویی که اعلام آمادگی میکند در شرایطی ویژه حاضر است در پشت رژیم اسلامی قرار گیرد، چه اقداماتی را در پشتیبانی از این تغییر الویت در دستور قرار خواهد داد؟! این سوالی است که این جریان‌ها باید پاسخ دهند.

اما بر خلاف تصور تبلیغات رژیم اسلامی و یا تصور جریان‌ها ناسیونالیست ایرانی جامعه ایران ائتلاف شکننده و ناپایداری از "اقوام و ملل" نیست که به محض شل شدن قدرت مرکزی در تهران و روشن شدن سقوط محتوم رژیم اسلامی به جان یکدیگر خواهند افتاد. این تبلیغات رژیم اسلامی و شاخه‌هایی از جریان‌ها ناسیونالیست ایرانی ربطی به واقعیت جامعه ایران و تصور و ذهنیت مردم در ایران ندارد. تبلیغاتی سیاسی است. تلاشی برای الصاق هویت قومی و ملی به انسانهای ساکن یک جامعه و خلق خود آگاهی نیست. هیچ نشانی از تخصصات و کشمکش‌های قومی لاعلاج و غیر قابل درمان در جامعه و در میان مردم مشاهده نمیشود. واقعیت این است که جامعه ایران جامعه‌ای متشکل از "ملل گوناگون" نیست. مردم در ایران به زبانهای گوناگون صحبت و تکلم میکنند، اما ملت و یا ملیت هر دو مقولاتی ساخته و پرداخته جریان‌ها ناسیونالیست است. ملت، نژاد مشترک نیست. ملت، زبان مشترک نیست. اصولاً ملت پدیده‌ای غیر قابل تعریف و تعیین اجتماعی است. همانند خدا. تعریف ملت بخشی از تلاش ناسیونالیسم برای ایجاد مبانی ایدئولوژیک حاکمیت سرمایه در جوامع معاصر است. متاسفانه یا خوشبختانه تجربیات زنده معاصر به ما این امکان را داده است که خود شاهد زنده و حسی و حاضر تلاش‌های ناسیونالیست‌ها برای خلق ملتهای گوناگون در همین دوران باشیم. اگر ملت و هویت ملی و قومی یک پدیده سیاسی و دست ساز است؛ اگر قوم پرستی

و کشمکش قومی یک بیماری سیاسی جدی و قابل مشاهده در ایران نیست؛ اما مساله این است که این بیماری نه ریشه کن شده و نه جامعه و مردم در برابر آن واکنشیده شده‌اند.

## ناسیونالیسم ایرانی، انکار ستم ملی، انکار مساله کرد

یک وجه مشخصه سیاست ناسیونالیسم ایرانی کلاً انکار ستم ملی در جامعه و یا مساله کرد بطور مشخص است. انتظاری هم نیست. سرکوب مبارزات حق طلبانه و جنبشهای اعتراضی در کردستان در دوران رژیم سلطنت بخشی از کارنامه این جریان است. تبعیض و نابرابری بخشی از هویت ذاتی و غیر قابل تفکیک این جریان‌ها است. عظمت طلبی و ستمگری ملی ویژگی ژنتیک این سنت است. تصور اینکه این جریان‌ها در قبال مساله کرد در جامعه‌تن به یک راه حل انسانی و متدنه دهند، دور از انتظار است. تصور اینکه این جریان‌ها بپذیرند که مساله کرد با ارجاع به نظر و اراده آزاد خود این مردم باید تعیین شود، غیر ممکن است. برای این جریان‌ها برگزاری یک فراندوم آزاد که در آن مردم تصمیم خود را در باره جدایی کردستان و یا باقی ماندن در چهار چوب کشور به عنوان شهروندان برابر و متساوی الحقوق کشور اعلام کنند، یک امر ممنوعه است. قابل تصور نیست. این جریان‌ها با عدم پذیرش یک راه حل سیاسی متدنه در قبال مساله کرد عملاً کار را به جنگ و درگیری داخلی میکشانند. این جریان‌ها پاسخشان روشن است. راه حل نظامی. لشکر کشی نظامی. و در صورت عدم برخورداری از لشکر و قشون، حمایت از لشکر دولت حاکم. "تمامیت ارضی" که پرچم و هویت این جریان‌ها است یک مقوله ارتجاعی در فرهنگ و سنت ناسیونالیستی است. ممکن است که جغرافیای کشور ایران کوچکتر و یا بزرگتر از وضعیت فعلی بشود. مساله این است که هر تغییر و تحولی در مختصات جغرافیای سیاسی هر جامعه با

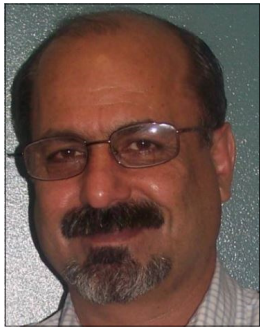
اعمال اراده آزاد و تصمیم خودآگاهانه خود آن مردم باشد. مساله این است که مردم در هر جغرافیایی دارای کدام موقعیت، حقوق مدنی و اجتماعی و موقعیت رفاهی هستند. هر نوع اقدام قهر آمیز و نظامی در قبال ستم و مساله ملی سیاستی ارتجاعی و ضد آزادیخواهی است.

این جریان‌ها چه در صلح و آرامش و بند و بستشان و چه در کشمکش و جدال و دشمنی، میتوانند منشأ بسیاری از مخاطرات در تحولات آتی ایران باشند. کلاً ناسیونالیسم میتواند در صورت امکان، همان نقش مخربی را در انقلاب آتی در ایران ایفا کند که مذهب و اسلام در تحولات ۵۷ ایفا کرد. افشای همه جانبه اهداف و سیاستهای این جریان‌ها، طرد افق و چشم انداز سیاسی این جریان‌ها یک ضرورت غیر قابل انکار پیشروی مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه در جامعه است. همانطور که مذهب امروز در اذهان مردم بی آبرو و منغور اس، ملی گرایی و قومی گری نیز باید بی آبرو و افشا شود. منزوی کردن و طرد جریان‌ها ناسیونالیست و قوم پرست تنها از عهده نیرویی ساخته است که آزادیهای سیاسی و حقوقی و برابری تمامی مردم مستقل از هویت‌های کاذب قومی و ملی و مذهبی را برسمیت میشناسد و توده مردم را با این افق متشکل میکند. از نقطه نظر هویت جهانشمول انسانی و سکولاریسم هیچ تعلق قومی و ملی و مذهبی نمی بایست جایی در نظام سیاسی و حکومتی کشور داشته باشد. شاخه‌های ناسیونالیسم از این بابت تفاوتی با هم ندارند. هویت قومی در دولت به همان اندازه هویت ملی در نظام سیاسی جامعه کریه و ضد هویت جهانشمول و آزاد انسانی است. کمونیسم کارگری برای یک نظام سکولار، یک نظام غیر قومی، غیر ملی و غیر مذهبی و مرفه و آزاد برای همگان مبارزه میکند.\*



## حسن روحانی و کشتی شکسته جمهوری اسلامی!

این مطلب بر مبنای گفتگوی تلویزیون کانال جدید در تاریخ ۱۳ آذر تنظیم شده است.



انسانی مبارزه میکنند و البته همه اینها آرمانهای چپ و کمونیسم در جامعه است.

آن نیروهای راست که از الان حتی در اپوزیسیون یادشان نمیرود که بگویند بعد از سرنگونی حکومت کارگران باید کمربندها را سفت ببندند تا ایران آباد شود (منظورشان این است که کارگران ریاضت اقتصادی تحمل کنند تا سرمایه داران نوپای جدید پول و ثروت بالا بکشند)، چشم دیدن این را ندارند که جنبش کارگری در صحنه سیاسی به نیرویی مطرح تبدیل شود. میدانند هر چقدر این جنبش نیرو بگیرد همانقدر جنبش آنها از رمق خواهد افتاد و در مقابل جنبش چپ و کمونیسم نیرو خواهد گرفت. این حقیقت را حتی روزنامه حکومتی رسالت هم اعتراف کرد وقتی در سرمقاله اش نوشت این اعتراضات کارگری اخیر "شبهاتهای زیادی به جنبشهای کارگری کمونیستی و چپ" دارد!

**بحران مزمن اقتصادی و بیکاری و فلاکت اقتصادی واقعیت انکار ناپذیر زندگی مردم ایران است. آیا حجم و دامنه این اعتراضات برای خلاصی از این وضعیت کافی است؟ چه قدم های دیگری باید برداشت؟**

مسئله کافی نیست. برای رهای شدن از این وضعیت باید سراغ مسببین اصلیش رفت. مسببین اصلی جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری مورد حمایتش هستند. جمهوری اسلامی و نظام اقتصادی ای که رکن اصلیش بهره کشی اقلیت از اکثریت جامعه است. باید این

اعتصاب نیشکر هفت تپه الگوها و خواسته های تازه و بسیار مهم و راهگشایی را نه تنها در میان جنبش کارگری بلکه در خودآگاهی کل جامعه حک کرد.

ادراه شورایی جامعه در قلب و مغز میلیونها کارگر و شهروند معترض جا گرفت. معلوم شد که نزدیک یک ماه مقاومت پرشور کارگران هفته تپه مدیون مجمع عمومی و شورای کارگری، دخالت فعال توده کارگر و سازماندهی توسط رهبران کاردان و جسورشان مثل اسماعیل بخشی است.

با حضور فعال خانواده های کارگران در تظاهرات پرشور خیابانی، با همراهی مردم شهر شوش با کارگران رنج دیده و مبارز، با همبستگی وسیعی که در ایران و جهان برای کارگران هفت تپه راه افتاد، معلوم شد که طبقه کارگر میتواند یک جامعه بسیار وسیعی را پشت سر خود بسیج کند. نه جنبش کارگری و نه مردم معترض ایران بعد از هفته تپه دیگر جنبش کارگری و مردم سابق نخواهند بود.

۴- و بالاخره با گسترش اعتصابات کارگری چپ جامعه در مقابل راست جامعه قویتر میشود. وقتی جنبش کارگری آن هم با خواسته ها و شعارهای رادیکال وارد میدان میشود، عملا فضا برای نیروهای ارتجاعی راست در اپوزیسیون تنگتر و برای نیروهای چپ بازتر میشود. جنبش سوسیالیستی در مقابل طرفداران سرمایه داری قویتر میشود. وزن چپ در تحولات سیاسی بالا میرود.

کارگران برای اهداف ارتجاعی اعتصاب نمیکند. هرگز شنیده اید کارگران برای اینکه دولشان ریاضت اقتصادی مورد نظر بانک جهانی را پیاده کند و یا اقتصاد مقاومتی کذایی مستقر شود اعتصاب کنند؟ هرگز شنیده اید کارگران برای مرز پرگهر و پرچم شیر و خورشید نشان و اسلام عزیز و تحمیل حجاب بر زنان اعتصاب کنند؟ نه اینها اتفاق نمی افتد. کارگران برای حق تشکل، حق اعتصاب، عدالت اجتماعی، رفاه اقتصادی و زندگی

قدرتمند و رادیکال قرار گرفته اند. جنبشی که اعتراضات کارگران فولاد و مخصوصا هفت تپه بالای سرش میدرخشند. اعتراضاتی که زمینه یک همبستگی شوکوند در ایران و جهان با طبقه کارگر معترض را نتیجه داد.

حکومت اسلامی که همیشه از شیخ جنبش کارگری بیم داشته است، در چند ماه گذشته متوجه شد که این جنبش یک شیخ نیست بلکه یک جنبش بسیار زنده است که خیابانها را می لرزاند و در مقابل نهادهای این حکومت فریاد میزند: کشور ما دزدخونه است، توی جهان نمونه است؛ کارگر بیدار است، از استعمار بیزار است؛ کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد؛ ما کارگران آهنیم، ریشه ظلمو می کنیم.

روحانی با این رجزخوانی خاص آخوندی در واقع در مقابل این نیروی خفناک شمشیر چوبین بلند میکند.

**جایگاه و اهمیت اعتراضات و اعتصابات گسترده مخصوصا اعتصابات اخیر در ایران چیست؟**

۱- اعتراضات کارگری جنبش سرنگونی را یک قدم بزرگ به جلو میراند. وقتی طبقه کارگر آنها با شعارهای رادیکال سیاسی وارد میدان میشود، عملا جنبش سرنگونی از یک اکثریت عظیمی برخوردار میشود که چیزی ندارد از دست بدهد و میتواند با سرنگونی حکومت اسلامی دنیایی بدست بیاورد.

۱- این اعتصابات میتوانند مقدمه ای برای اعتصاب سراسری باشند. اتفاقی که بسرعت شریانهای اقتصادی حکومت اسلامی را مسدود و زمینگیرش خواهد کرد.

۳- در میان اعتصابات اخیر، اعتصاب کارگران فولاد اهواز و مخصوصا اعتصاب نیشکر هفته تپه کل جنبش اعتراضی رادیکال در ایران را گامها به جلو برد.

اساسا مربوط به شکاف میان اکثریت مردم از یکطرف و اقلیت حاکم از طرف دیگر در زمینه های فرهنگی است. مخصوصا شکاف نسل جوان با فوق مترجمین اسلامی حاکم برجسته است. هیچ جنبه از زندگی این نسل با تلقیات و تصورات سران حکومت از مناسبات انسانی نه تنها خوانایی ندارد بلکه تماما در مقابل هم هستند.

برای مثال، مساله حجاب و مذهب و موسیقی در این میان برجسته است. هر سه این عرصه ها میدان نبردی ۲۴ ساعته میان مردم و حکومت است.

**چرا روحانی، بحران در ساختار جمهوری اسلامی را انکار می کند؟**

اولا، روحانی قبل از هر چیز به خودش و سران حکومت روحیه میدهد. حکومتی که با اعتراضات مردم مخصوصا کارگران محاصره شده است. سران حکومت بارها به زبان خودشان به همدیگر هشدار داده اند که اگر کشتی حکومت غرق شود همه باهم غرق خواهند شد. همین اخیرا، آیت الله دانه درشتی به نام جوادی آملی هشدار داد که این مردم سران حکومت را به اقیانوس میریزند و جای فرار هم ندارند.

ثانیا، این ادعای روحانی یک جنگ تبلیغاتی و روانی علیه مردم معترض است. برای تضعیف روحیه مردمی است که مخصوصا در چند سال اخیر نشان داده اند که عزم کرده اند به حیات این حکومت پایان دهند. سران حکومت خوب میدانند که اگر کوچکترین ضعفی از خودشان نشان بدهد، مردم به آخرین هجومشان برای پایان دادن به عمر ننگین این حکومت دست خواهند زد.

و بالاخره و مهمترین اینکه سرمایه داران و حکومت اسلامیشان در چند ماه گذشته در معرض یک جنبش کارگری بسیار

حسن روحانی رئیس جمهور حکومت اسلامی در سفر به استان سمنان در روز سه شنبه ۱۳ آذر گفته است که "کشور در بحران قرار ندارد و نخواهد داشت". این صحبت های روحانی یک جنگ تبلیغاتی است یا واقعا حکومت اسلامی در ثبات و امنیت کامل است؟ بحرانی بودن یک کشور یعنی چه و حکومت اسلامی در این رابطه چه وضعی دارد؟

بحران در یک کشور معمولا در چند عرصه خودش را نشان میدهد: اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی. کشور ایرن و حکومت اسلامی در هر چهار عرصه بالا عمیقا در بحران غرق است.

**بحران اقتصادی:** تولید خوابیده یا کارخانه ها زیر ظرفیت کار میکنند. بیکاری نه تنها گریبانگیر میلیونها انسان است بلکه هر سال خیل عظیمی وارد بازار کاری میشوند که در آن کاری نیست. فقر ابعاد بیسابقه ای گرفته است، طوری که جمعیت وسیعی قادر به تامین ابتدایی ترین نیازشان برای خوراک هم نیستند. اقتصاد کشور در چرخه دلالی و رانت خواری و قاچاق توسط آقازاده ها هر روز بیش از گذشته فرسوده میشود و در هم میشکند.

**بحران سیاسی:** این جنبه بحران اساسا مربوط به رابطه مردم با حکومت است. حکومت مطلقا مشروعیت در میان مردم ندارد و مردم حاضر نیستند تحت حاکمیت آن حکومت زندگی کنند. حکومت هم قادر نیست به روال سابق حاکمیت کند. نه مردم میخواهند و نه حکومت میتواند.

**بحران اجتماعی:** کشور در زمینه فساد اقتصادی و اجتماعی، اعتیاد، تن فروشی، دزدی، جنایت، کودک آزاری، افسردگی در مقایسه با استانداردهای جهانی در رده های اول قرار دارد.

**بحران فرهنگی:** این جنبه

## ۱۵ میلیارد یورو گم شده!

محمد شکوهی

بیت رهبری، از جمله نهاد های مهم حکومت می باشند که در کنار باندهای نامبرده، دولت، وزارت نفت شرکت نفت، گاز و پتروشیمی، وزارت بازرگانی، دهها شرکت های کاغذی دولتی ثبت شده که در امر صادرات کار می کنند، همه و همه جزو دم و دستگاہ صادرات حکومتی می باشند. هر کدام از اینها سالهاست برای خودشان امپراطوریهای عظیم صادراتی با دهها دفتر و دستک در کشورهای حوزه خلیج به پا داشته و مشغول دزدی و غارت و چپاول می باشند. ۱۵ میلیارد یورویی که نهادهای حکومتی اعلام کرده اند توسط این باندها و نهادهای حکومتی رسماً و علناً دزدیده شده است.

اما ماجرای «سامانه نیما» چه بود و قرار بود چه بکند؟

لازم به توضیح است که بعد از توافق برجام دولت و کل حکومت با تأیید مجلس به توافق رسیدند که «امورات صادرات»، بویژه مشکلات ارزی شان را سر و سامان بدهند. بویژه که موضوع لغو تحریمها در کار بود و اینها نیاز داشتند تجارت خارجی شان را با شرکایشان «کمی شفافتر» بکنند. بر این اساس بعد از نزدیک به دو سال جنگ و کشمکش بین باندهای حکومتی، دولت و مجلس در مرداد ماه سال امسال به توافق رسیدند که برای مقابله با بحران ارزی شان، «سامانه نیما» راه اندازی بکنند.

در این میان مجلس و شورای پول و اعتبار دولت را موظف به انجام این کار کرد. در این رابطه سایت دولت و بانک مرکزی در مرداد ماه نوشتند: «دولت تصمیم گرفت تا با لغو معافیتها، همه صادرکنندگان ارزی را مجاب کند که ارز خود را به جای محل های دیگر در سامانه نیما بفروشند تا علاوه بر تأمین ارز مورد نیاز برای واردکنندگان، ورود ارز به این

بعد از ماهها تکذیب صادر کردن و توجیحات باندهای حکومتی در باره «گم شدن» ۱۵ میلیارد یورو ارز حاصل از صادرات، اکنون بانک مرکزی و گمرک حکومت رسماً تأیید کردند که: «۱۵ میلیارد یورو ارز حاصل از صادرات به «سامانه نیما» واریز نشده است! در همین رابطه رسانه های حکومتی روز سه شنبه ۱۳ آذر ماه به نقل از کسریایی پور مدیرکل سیاست ها و مقررات ارزی بانک مرکزی گزارش دادند که: «از مجموع حدود ۲۸ میلیارد یورو صادرات غیرنفتی در هشت ماهه نخست سال جاری، تکلیف بیش از ۱۵ میلیارد یورو از ارز حاصل از صادرات که بر اساس قوانین قرار بوده به «سامانه نیما» بیاید؛ مشخص نیست.

در خبر دیگری گمرک حکومت هم ضمن تأیید این اظهارات مقام بانک مرکزی اعلام کرده است که: «در هشت ماهه نخست سال جاری، حجم صادرات غیرنفتی ۲۷ میلیارد یورو بوده است که در واقع ۲۰ میلیارد یورو از آن وارد سامانه نیما نشده است.»

آنچه مسلم است ۱۵ میلیارد یورو ارز حاصل از صادرات حکومتی به اعتراف دو نهاد مهم حکومت وارد «سامانه نیما» نشده است. به عبارتی صاف و ساده این حجم عظیم ارز دزدید و در جاهای دیگر و صرف مخارج دیگر رژیم شده است. پشت این دزدی عظیم چه ارگانها و نهادهای حکومتی قرار دارند؟

صادر کنندگانی که بانک مرکزی، گمرک و دولت از آنها اسم می برند وابسته به نهادهای قدرتمند مالی حکومت می باشند که کل صادرات نفتی و غیر نفتی حکومت را قبضه کرده اند. سپاه، بسیج، بیت رهبری، کمیته امداد، بنیاد شهید، بنیاد مستضعفان، بنیاد برکت وابسته به خامنه ای در کنار دهها شرکت سوری متعلق به باندهای مختلف حکومت از



سامانه را نیز افزایش دهد و از ایجاد التهابات ارزی در بازار جلوگیری کند!

این سیاست پولی را بانک مرکزی و دولت تحت عنوان «بازار ارز ثانویه» برپا انداختند. اکنون بعد از گذشت نزدیک به پنج ماه از راه اندازی این بازار ارز بانک مرکزی و گمرک حکومت رسماً اعلام کرده اند که ۵.۷ میلیارد یورو ارز از محل صادرات ایران وارد سامانه نیما شده، ۱۵.۷ میلیارد یورو از ارز صادراتی که قرار بوده وارد سامانه نیما شود، بلا تکلیف است و مشخص نیست به کدام محل رفته است.

تأیید دزدی ۱۵ میلیارد یورویی از طرف دو نهاد مهم رسمی حکومت و سکوت معنا دار باندهای وابسته به بیت رهبری و باندهای دولتی نشان می دهد که هر دو طرف در این دزدیها سهم بود و آن را رسماً سازمان داه دادند. کار اصلی حکومت و همه باندهایش سازماندهی و راه اندازی مافیای بزرگ ارزی برای دزدی و چپاول است. خامنه ای و روحانی در راس این مافیای عظیم حکومت قرار داشته و رسماً و علناً آن را مدیریت می کنند. ۱۵ میلیارد یورویی گم شده را این باندها صرف لفت و لیس و دزدی های سران و مقامات نهاد های مهم نظامی و اطلاعاتی و امنیتی رژیم و هزینه های مورد نظر خامنه ای و دولت کرده اند. نهادهای و باندهایی که همگی در غارت، دزدی و فساد و دست دارند. جمهوری اسلامی و دولتش، دولت دزدان؛ قاچاقچیان ارز و کالا و تحمیل کنندگان فقر و فلاکت بريك جامعه ۸۰ میلیونی می باشند.

## حجاب با شتاب در حال افول است!

محمد شکوهی

معاونت زنان شورای انقلاب فرهنگی حکومت: حجاب با شتاب در حال افول است و این افول بیشتر خواهد شد!

فرشته روح افزا، معاونت زنان در شورای انقلاب فرهنگی حکومت گفته است: «در حال حاضر حجاب با شتاب در حال افول است. اگر با این روند پیش برویم و با این مدل قدم برداریم قطعاً در این زمینه افت خواهیم کرد، چرا که در حال حاضر درباره حجاب با افول روبرو هستیم، اما قطعاً این افول بیشتر خواهد شد. برای برخی افراد دیگر مانند سلبریتی ها حجاب قابل قبول نیست.»

در مورد اعتراف دیر هنگام این خواهر زینب که بیش از سه دهه است ایشان و ارادل و اویش حکومتش به همراه بیش از بیست نهاد رژیم برای تحمیل حجاب اسلامی اجباری به زنان تقلا و تلاش کرده اند، باید گفت نه فقط حجاب، که کل نظام و بربریت اسلامی که امثال شما و کل دم و دستگاه حکومت آدمکشان با تکیه بر سرکوب، اعدام و زندان و

## کارگران در هفته ای که گذشت

از صفحه ۴

فعالین اجتماعی و نیز افزایش حقوق فرهنگیان بازنشسته و شاغل به بالای خط فقر ۶ میلیون و با توجه به نرخ تورم واقعی تأکید کرده است. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در انتهای بیانیه خود اولتیماتوم داده و مینویسد: «در صورتی که دولت و مجلس تا یک هفته دیگر از تاریخ انتشار این بیانیه؛ هیچ گامی برای رفع مشکلات برنهند و همکاران ما همچنان در زندان بمانند، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، چاره ای ندارد تا از خانواده دانش آموزان کمک بخواند و فراخوان اعتراضی گسترده بدهد. چرا که مطالبات امروز فرهنگیان و شورای هماهنگی، مطالبات اکثریت جامعه ایران است.» اعتراضات معلمان شایسته وسیعترین حمایت هاست.

کل جامعه بکوبند و این یک پیشروی بزرگ در مبارزات کل جامعه بود.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در بیانیه خطاری خود ضمن اشاره به این مبارزات و خواستهایی که داشته اند، اعتراض خود را به عدم پاسخگویی به خواستهایشان و در پیش گرفتن راه سرکوب و روند احضار و پرونده سازی و تهدید فعالان معلم اعلام کرده است. این شورا در بیانیه خود علاوه بر خواستههای قبلی چون تحصیل رایگان برای همه کودکان، بر خواستههای فوری ای نظیر آزادی فوری محمد رضا رمضانزاده، حسن رمضانپور، علی فروتن، امید شاه محمدی، پیروز نامی، علی کروشات و محمد علی زحمتکش و بسته شدن پرونده قضای تمامی

## جلیقه زردها چه میگویند؟



همچون رفاه و امنیت شغلی و امنیت زندگی است. جنبشی که چپ اجتماعی در آن حرف و نقش مهمی دارد و مورد حمایت بخش عظیم جامعه است. در آخرین آمارها بیش از ۷۰ درصد جامعه از این جنبش حمایت میکنند. بیش از ۵۰ درصد کسانیکه در دور دوم انتخابات میان مکررون و ماری لوین از حزب ناسیونالیست فرانسه به مکررون روی آورده بودند و به او رای داده بودند هم، این جنبش را از آن خود دانسته و در آن حضور گسترده ای دارند. همچنین احزاب چپ در کنار این جنبش قرار گرفته اند و از آن دفاع میکنند. اگر

اکثریت مجلس سنا در اختیار دارد از دولت خواست افزایش مالیات ها از ژانویه متوقف گردد. "گیوم لاریوه" جانشین دبیرکل حزب جمهوری خواهان گفته است که دولت تنها سه روز فرصت دارد که اقدام های عملی و فوری را جهت پایان دادن به بحران کنونی کشور انجام دهد. "گیوم لاریوه" هشدار داده است که اگر رئیس جمهوری و نخست وزیر اقدامات ضروری را اتخاذ نکنند کشور به سمت آشوب پیش خواهد رفت. در این بین سخنگویان جنبش جلیقه زردها گفته اند تعلیق افزایش مالیات ها از اول ژانویه آینده و احيای دوباره مالیات بر ثروت را از شروط اولیه هر نوع گفتگو با دولت اعلام کرده اند.

جنبش جلیقه زردها امروز پیشقراول جنبش نود نه درصدی های فرانسه شده اند. از اعتراض به گرانی ها شروع شد و در نهایت این اعتراض متوجه کل سیستم اقتصاد سرمایه داری و همه ارکان آن شد. این جنبش هر چند امروز جوان است و ترکیبی از اقشار مختلف جامعه و از چپ و راست را در خود جای داده است اما خواسته هایش خواسته های انسانی

### حسن روحانی و کشتی شکسته ...

از صفحه ۹

حکومت را سرنگون کرد و نظام طبقاتی سرمایه داری را زیر و رو کرد و سرنوشت جامعه را به دست کارگران و مردم محروم و کلا شهروندان جامعه سپرد. اگر ثروت و امکانات جامعه در اختیار کل جامعه قرار گیرد؛ اگر جامعه به صورت شورایی با دخالت توده های وسیع کارگران و مردم اداره شود؛ اگر همه امکانات جامعه برای پاسخ دادن به نیازهای همه شهروندان سازمان داده شود؛ آنگاه بیکاری و فقر و بیخانمانی و به تبع آن جرم و جنایت ریشه کن میشود.

برای تحقق همه اینها اول و قبل از هر چیز باید حکومت اسلامی را از سر راه برداشت. جمهوری اسلامی را نمیتوان فقط

سرمایه را بر خود داشتند. مردم میپرسند چگونه است که آقای مکررون مالیات سرمایه های بزرگ را لغو میکند، اما میخواهد پروژه افزایش مالیات بر درآمد حقوق بگیران را افزایش دهد. و میپرسند چگونه است که دولت این توان را دارد که در پروژه های نظامی مانور دهد و پول خرج کند، ولی برای کمک هزینه اجاره خانه های آدمهای کم درآمد میگوید بودجه نداریم و آنرا کم میکند؟ این تعرضات به سطح معیشت مردم در دولت های قبلی سارکوزی و هولاند شروع شده و در دوران دوساله مکررون با سرعتی بیشتر به اجرا درآمده اند. بی جهت نیست که مردم به او میگویند رئیس جمهور سرمایه داران بزرگ!

### حوادث شنبه ۳ دسامبر و

### فراخوان برگزاری سومین تجمعات جنبش جلیقه زردها

اینبار پلیس با خشونت زیاد وارد عمل شد و اوضاع را متشنج کرد و موجبات درگیری را فراهم ساخت. مردم هم از این تحریکات و خشونت پلیس به خشم آمده، مقاومت کردند و با آنها به مقابله برخاستند. به این ترتیب جنگی واقعی و نبردی بی امان در پاریس به نمایش گذاشته شد. بنحوی که این روز یادآور روزهای تاریخی فرانسه و بویژه کمون پاریس و نبردهای آن روزگار را به تجسم کشید. دود و آتش، گل گرفتن در مجلس با شعار "مجلسی که درد مردم را نمیفهمد، باید درش را بتون گرفت" و یا حمله به مراکز اقتصادی و به آتش کشیدن ماشینهای لوکس به نشانه اعتراض به نابرابری اقتصادی - اجتماعی از جمله از رویدادهای این روز بود. در این روز بیش از چهارصد نفر دستگیر و صدها نفر زخمی شدند. مکررون که در سفر بوئینس آیرس و کنفرانس جی بیست بود به فرانسه بازگشت و حالت اضطراری اعلام شد. دولت نمایندگان هیچجده حزب سیاسی را برای مذاکره و یافتن راهی برای خروج از این بحران تشکیل داد. پیشنهاد نمایندگان احزاب این بود که دولت عقب نشینی کند تا شرایط جامعه به حالت عادی بازگردد. حزب جمهوری خواه که

با مراجعه به اخبار فرانسه میشود متوجه شد که دولت فرانسه دچار يك بحران جدی شده است و سیاستهای آقای امانوئل مکررون و دولتش به بن بست رسیده است و سرمایه داری فرانسه که با دل بستن به او و سیاستهایی که در دوران کمپین انتخاباتی مطرح میکرد راه به جایی نبرده است. این شکست را جنبش جلیقه زرد ها و یا همان ارتش هیچ بودگان به نمایش گذاشتند.

### جلیقه زردها چه کسانی هستند؟

در اوایل نوامبر امسال يك جوان فرانسوی پیشنهاد و فراخوانی را در فیس بوك در مورد ایجاد سد معبر در اعتراض به گرانی سوخت اتومبیل در روز شنبه ۱۷ نوامبر با پوشیدن جلیقه های زرد منتشر کرد. در روز موعود هزاران نفر در سراسر فرانسه از شهرهای بزرگ تا روستا ها در این تجمعات شرکت کردند. به این ترتیب يك جنبش همگانی متشکل از کسانی که زیر فشار گرانی و از دست دادن قدرت اقتصادی شان در پی اعمال سیاست های ریاضت اقتصادی دولت آقای مکررون، شکل گرفت. این جنبش به حرکت خود ادامه داد و دست به تجمعات بیشتری زد و به مرور گسترده تر شد و خواسته های بیشتری را طرح کرد و به این ترتیب مطالبات بیش از ۸۰ درصد جامعه فرانسه را در بر گرفت.

### خواسته های جنبش جلیقه زرد چیست؟

خواست اولیه این جنبش اعتراض به گرانی سوخت بود. در اولین مصاحبه ها موضوع لغو پروژه گران کردن سوخت که مستقیماً زندگی مردم را نشانه گرفته بود، طرح شد. گرانی بنزین باعث گرانی حمل و نقل و گرانی اقلام ضروری و کالاهای اساسی میشود و به این ترتیب قدرت خرید مردم کاهش میابد. درحقیقت این تعرض دولت به هزینه های رفت و آمد کارمندان و کارگران و بیکاران موجب خشم عمومی و شروع این اعتراضات بود. در این اعتراضات خشم مردم متوجه مراکز دولتی و نهادهایی که نشانه های

این جنبش در ادامه خود تحزب یابد می تواند در سرنوشت سیاسی فرانسه و اروپا گامهای موثر بردارد.

پن: تبتق آخرین اخبار اوارد فلیپ نخست وزیر فرانسه اعلام که به مدت شش ماه پروژه های افزایش مالیات بر سوخت و انرژی را به تعویق انداخته است. اما جنبش جلیقه زرد ها این اقدام را کافی ندانسته و خواهان ادامه تجمعات خیابانی شده اند.

# KANAL JADID

## کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید

ماهواره یاه ست

فرکانس : 11766

پولاریزاسیون : عمودی

سیمبل ریت : 27500

اف ای سی : 5/6

همه شهروندان در بهره مندی کامل از ثروت و امکانات جامعه، مبتنی بر حق همه در برخورداری از يك زندگی سطح بالا و مرفه، و مبتنی بر حق همه در برخورداری از آزادی و امنیت باشد. این چپ در جامعه بسیار وسیع است. همه کارگران، همه شهروندان شریفی که زندگی انسانی را حق همه جامعه میدانند و برای رسیدن به آن، میلیاردهای حاکم و حکومت اسلامیشان را به چالش میشکند در این صف هستند. این صف بسیار بزرگ و قدرتمندی است. حزب کمونیست کارگری به مشابه يك نیروی متشکل و منسجم و شاخص این چپ با تمام توان تلاش میکنند که آینده ایران توسط این جنبش رقم زده شود. \*

۵ دسامبر ۲۰۱۸ -  
۱۴ آذر ۱۳۹۷



## اخباری از اعتراضات گسترده کارگری در استان خوزستان

## چهار خبر از اعتراضات کارگری

### اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران صنایع فولاد شادگان

روز ۱۲ آذر کارگران صنایع فولاد شادگان در اعتراض به پرداخت نشدن ۴ ماه حقوق، اعتصاب کرده و در محل این شرکت تجمع کردند. در فولاد شادگان بیش از چهارهزار کارگر اشتغال دارند که بخش بزرگ آنان کارگران قراردادی هستند. یکی از معضلات کارگران و مردم شادگان تاثیر این کارخانه بر محیط زیست است. فعالان محیط زیست در خصوص وجود این کارخانه در منطقه تالاب شادگان و خطراتی که در بلندمدت برای محیط زیست منطقه دارد هشدار داده‌اند. این منطقه مشکل ریزگرد و آلودگی هوا دارد و پسماندهای کارخانه در ایجاد بحران آلودگی و کمبود آب در تالاب شادگان موثر بوده است.

### دومین روز اعتصاب و تجمع کارگران شهرداری اندیمشک

روز ۱۲ آذر کارگران شهرداری اندیمشک در اعتراض به تعویق دوازده ماه دستمزد خود دست از کار کشیده و مقابل شهرداری تجمع کردند.

### اعتصاب و تجمع کارگران شهرداری حمیدیه

صبح ۱۲ کارگران شهرداری حمیدیه در اعتراض به عدم دریافت ۷ ماهه حقوق در میدان مرکزی این شهر تجمع کردند.

### اعتصاب و تجمع کارگران شهرداری شوشتر

روز ۱۲ آذر کارگران شهرداری شوشتر در اعتراض به دریافت نکردن ۷ ماهه مزد خود در مقابل شهرداری دست به تجمع زدند.

### دومین روز اعتصاب کارگران شهرداری آبدان خوزستان

روز ۱۱ آذر کارگران شهرداری آبدان خوزستان در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدشان برای دومین روز

دست به اعتصاب زدند و مقابل شهرداری تجمع کردند.

### تجمع کارگران قند و تصفیه نیشکر اهواز مقابل استانداری

روز ۱۲ آذر بیش از ۸۰ کارگر کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز در اعتراض به عدم دریافت حقوق و مزایا و سایر مطالبات ۲۲ ماهه خود در مقابل ساختمان استانداری خوزستان تجمع کردند.

### اعتصاب کارگران قطار شهری اهواز به سومین روز متوالی رسید

روز ۱۲ آذر ماه و در سومین روز اعتصاب ۱۰۰ کارگر پیمانی قطار شهری اهواز که حدود ۱۸ ماه معوقات مزدی دارند، دست از کار کشیده و در کارگاه مرکزی این پروژه عمرانی تجمع اعتراضی برگزار کردند.

### ادامه اعتراضات کارگران پیمانکاری فاز ۲ پالایشگاه آبادان

روز ۱۱ آذر حدود ۸۰ نفر از کارگران پیمانکاری فاز ۲ پالایشگاه آبادان در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدهایشان در محوطه شرکت تجمع کردند. این کارگران روز ۱۰ آذر نیز در مقابل دفتر مرکزی پالایشگاه تجمع داشتند. بنا بر خبرها برخی از این کارگران از مردادماه مزد نگرفته‌اند و هفته گذشته تنها بخشی از حقوق تعدادی از کارکنان پیمانکاری فاز دو پرداخت شد. در فاز ۲ پالایشگاه آبادان تعداد زیادی شرکت پیمانکاری مشغول به کار هستند که کارگران در آنها بصورت قراردادی کار میکنند.

### تجمع اعتراضی کارگران و کلیه کارکنان شرکت آب و فاضلاب خوزستان

روز ۱۲ آذر ماه جمعی از کارگران و کارمندان و آبداران شرکت آب و فاضلاب خوزستان در اعتراض به عدم پرداخت حقوقهای خود در مقابل این

شرکت در اهواز تجمع کردند. کارگران این شرکت هفت ماه و کارمندان آن ۴ ماه دستمزد نگرفته‌اند.

اعتراض علیه بساط دزدی و چپاول حاکم و بالا کشیدن دستمزدهای کارگران، یک محور دائمی اعتراضات کارگری است. نیشکر هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز دو کانون داغ این اعتراضات هستند. ۲۸ روز اعتراض جانانه نیشکر هفت تپه و اعتراضات قدرتمند کارگران گروه ملی نه فقط شهرهای شوش و اهواز بلکه کل محیط های کارگری در استان خوزستان را که با مسایل و معضلات مشترکی درگیرند به تحرك در آورده است. نیشکر هفت تپه و گروه ملی دو سنگر مهم پیشروی های کل جنبش کارگری و کل جامعه علیه فقر، گرانی، تبعیض و نابرابری و کل بساط توحش سرمایه داری حاکمند. اعتصابات سراسری کارگری یک پاسخ مهم به این شرایط و یک شکل عملی برای پشتیبانی و تقویت مبارزات کارگران گروه ملی و برای آزادی بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه است. حزب کمونیست کارگران مراکز مختلف را فرامیخواند که با الگو گرفتن از مبارزات کارگران هفت تپه و فولاد اهواز، از جمله حضور خانواده ها در تجمعات کارگران اعتصابی و شکل دادن به شوراها کارگری با اتکاء به مجامع عمومی کارگری بعنوان طرفی برای اعمال اراده مستقیم کارگران تاکید میکند.

حزب همچنین بر حمایت بخش های مختلف کارگری از مبارزات یکدیگر و همبستگی وسیع اجتماعی در مبارزه علیه جهنم جمهوری اسلامی تاکید میکند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری پیش بسوی ایجاد شورا ها حزب کمونیست کارگری ایران ۱۲ آذر ۱۳۹۷، دسامبر ۲۰۱۸

### تجمع گروهی از بازنشستگان در مقابل دفتر روحانی

از ساعت ده صبح روز یازده آذر ۱۵۰ نفر از معلمان بازنشسته از شهرهای مختلف برای پیگیری خواستههایشان در مقابل وزارت کار و دفتر روحانی در تهران تجمع کردند. تجمع کنندگان با شعار مسئولین مملکت خود در رفاه و نعمت ما را کنند نصیحت، اعتراضشان را به فقر و گرانی و پایین آمدن قدرت خرید مردم و تبعیض فاحش طبقاتی اعلام کردند. در این روز حضور نیروهای سرکوبگر حکومت بسیار چشمگیر بود. اما بازنشستگان به تجمع خود ادامه دادند. از جمله شعارهای دیگر بازنشستگان در این حرکت اعتراضی عبارتند از:

"معیشت، سلامت، حق مسلم ماست"، "تورم، گرانی پاسخ بده روحانی"، "این همه نابرابری هرگز ندیده ملت"، "اگر که ما نبودیم، تو اون بالا نبود"، "روحانی پائین بیا، روحانی پائین بیا"، "معلم بیدار است از تبعیض بیزار است"، "حقوق ما ریالیه هزینه ها دلاریه"، "حقوق ناچیز ما پول آب و برق نمی شه". حدود ساعت یازده بود که قطعه نامه توسط خرسندی یکی از معلمان بازنشسته خوانده شد و همه شرکت کنندگان آنرا امضا کردند.

معلمان فریاد میزند اگر پاسخ نگیریم، باز هم بر میگردیم. هنوز ساعتی نگذشته بود که یک ماشین سمند از سوی سرکوبگران حکومت با سرعت به خیابان پیچید و یک معلم به نام خانم بهزاد پور را زیر گرفت. تجمع کنندگان سراسیمه

شدند و با خشم ماشین را متوقف کردند.

بازنشستگان با خواستههایشان اعتراض کل جامعه را دارند بیان میکنند. بازنشستگان در مبارزاتشان بر خواستههایی چون افزایش حقوق ها به بالای خط فقر ۶ میلیونی، درمان رایگان و رفع تبعیض ها تاکید کرده اند.

### اعتصاب کارگران کارخانه صنایع مفتولی تاکستان

صبح روز ۱۲ آذر کارگران کارخانه صنایع مفتولی تاکستان برای سومین روز پیاپی با تجمع در محل کار اعتراض خود را به عدم پرداخت ۶ ماه دستمزد اعلام داشتند.

### اعتراضات کارگران کارخانه بلبرینگ سازی تبریز

روز ۱۲ آذر کارگران کارخانه بلبرینگ سازی تبریز در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق برای دومین روز متوالی دست به تجمع زدند.

### کارکنان بیمارستان امام خمینی برای بار سی ام

روز ۱۲ آذر بالغ بر ۳۰۰ نفر از کارکنان بیمارستان امام خمینی کرج در اعتراض به بلاک کیفی بیمارستان و پرداخت نشدن یک سال دستمزد پرسنل، در مقابل بیمارستان تجمع کردند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری پیش بسوی ایجاد شورا ها حزب کمونیست کارگری ایران ۱۲ آذر ۱۳۹۷، ۳ دسامبر ۲۰۱۸





## اخباری از اعتراضات گسترده کارگری در روز دهم آذر

شهرداری تجمع کردند. بی‌توجهی به مشکلات کارگران مربوط می‌شود.

- بالغ بر ۳۰۰ نفر از کارکنان بیمارستان امام خمینی کرج به همراه عده‌ای از همراهان بیماران دیالیزی و خانواده‌های جانبازان استان البرز در اعتراض به بلا تکلیفی بیمارستان و پرداخت نشدن یک‌سال دستمزد پرسنل، در خیابان اصلی مقابل بیمارستان تجمع کردند. از ابتدای صبح روز هشتم مهرماه بالغ بر ۳۰۰ نفر از کارکنان این بیمارستان همراه با برخی از پزشکان در اعتراض به وضعیت بلا تکلیف بیمارستان و مطالبات مزدی یازده ماهه، ابتدا در مقابل بیمارستان و سپس در مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند. همچنین تعدادی از خانواده‌های بیماران که اعضای خانواده شان در آنجا تحت درمان هستند، در حمایت از کارکنان بیمارستان در تجمع شرکت کردند. لازم به یادآوری است که این بیمارستان به فروش گذاشته شده و در وضعیت بلا تکلیف قرار دارد. کارکنان بیمارستان تا پایان شهریور قرارداد داشته‌اند و این قراردادها تمدید نشده است. اما آنان همچنان به کار خود در بیمارستان ادامه می‌دهند. بدین ترتیب این کارکنان علاوه بر اینکه حقوق هایشان پرداخت نشده، در خطر بیکاری نیز قرار دارند و در اعتراض به این وضعیت تجمعات متعددی در ماههای اخیر برپا کرده‌اند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ آذر ۱۳۹۷، ۱ دسامبر ۲۰۱۸

کارگران شهرداری اندیمشک در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق شان دست از کار کشیدند و در مقابل شهرداری این شهر تجمع کردند. نیروی انتظامی تلاش کرد کارگران را متفرق کند، کارگران با پایان یافتن تجمعشان اعلام کردند اگر طلب هایشان پرداخت نشود، روز بعد نیز تجمع خواهند کرد.

- کارگران شهرداری بیجار در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق چند ماهه خود برای چندمین روز دست از کار کشیدند. آشغالها در سطح شهر جمع شده‌اند و کسی پاسخگو نیست. مردم با همبستگی از این اعتراضات سخن می‌گویند. بخش دیگری از اعتراضات کارگران این کارخانه به پرداخت نشدن حق بیمه، عدم تحویل کپی قرارداد میان کارگر و کارفرما، کاهش میزان تولید، عقد قراردادهای کوتاه‌مدت یک‌ماهه و بی‌توجهی به مشکلات کارگران مربوط می‌شود.

- کارگران شهرداری سریندر در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزد هایشان دست از کار کشیدند.

- گروهی از کارگران شاغل در کارخانه «صنایع مفتولی تاکستان» در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزد ۶ ماه معوقات مزدی و بیمه‌ای پرداخت نشده خود، دست از کار کشیده و در محل نگهداری ساختمان کارخانه تجمع کردند. بخش دیگری از اعتراضات کارگران این کارخانه به پرداخت نشدن حق بیمه، عدم تحویل کپی قرارداد میان کارگر و کارفرما، کاهش میزان تولید، عقد قراردادهای کوتاه‌مدت یک‌ماهه و

- کارگران فاز ۲ پالایشگاه آبان در اعتراض به تعویق پرداخت ۵ ماه دستمزد خود مقابل دفتر مرکزی این شرکت تجمع کردند. زیر فشار این اعتراضات و از ترس گسترش بیشتر اعتراضات در این استان، معاون استاندار خوزستان و فرماندار ویژه آبادان اعلام کرد که از روز گذشته با بانک مورد نظر که طرف قرارداد این کارگران است مذاکره شده تا نسبت به پرداخت حقوق کارگران اقدام شود.

- کارگران کارخانه قند و شکر تصفیه اهواز در اعتراض به تعویق ده ماهه مزد خود در مقابل استانداری تجمع کردند. این شرکت که مالکیت آن در اختیار بانک‌های ملی و ملت است در حالت نیمه تعطیل قرار دارد.

- جمعی از کارگران پروژه ساخت قطار شهری اهواز در اعتراض به عملی نشدن وعده کارفرما مبنی بر پرداخت مطالبات معوقه کارگران، دور جدید اجتماعات خود را در محل کارگاه واقع در خیابان فرودگاه اهواز شروع کردند. به دنبال برپایی دور نخست اعتراضات کارگران قطار شهری اهواز که در یک ماه قبل اتفاق افتاد، مدیرعامل شرکت پیمانکاری «کیسون» (مجری ساخت پروژه قطار شهری اهواز) با حضور در میان معترضان گفت که منابع مالی کافی نداریم ولی ظرف دو هفته آینده یک ماه از معوقات مزدی ۱۷ ماهه کارگران پرداخت خواهد شد. اما این وعده هم عملی نشد. و اکنون کارگران در اعتراض به خلف وعده های مدیریت دور دیگری از اعتراضاتشان را شروع کرده‌اند.

- کارکنان شهرداری آبدان (خوزستان) به دلیل عدم دریافت چندماه حقوق و مزایا دست از کار کشیدند و در مقابل ساختمان

## قطعه‌نامه جلسه نمایندگان محلات اتحادیه ساختمان، جنگل و انرژی

### واحد استان نیوسات ولس استرالیا در همبستگی با کارگران در ایران

#### اسماعیل بخشی و همه دستگیر شدگان نیشکر هفت تپه باید آزاد شوند

«علی ملکی» و «بهروز ولاشجردی». بر اساس این «دادنامه» کذایی اجرای این احکام به مدت ۵ سال تعلیق می‌شود.

#### قطعه‌نامه جلسه نمایندگان محلات اتحادیه ساختمان، جنگل و انرژی واحد استان نیوسات ولس استرالیا در همبستگی با کارگران در ایران

ما از مبارزات طبقاتی کارگران در ایران علیه فقر، بیکاری، فساد، تعویق پرداخت دستمزدها، گرانی و حقوقهای ناچیز، نابرابری و بیعدالی، حمایت می‌نماییم. ما از حق تشکل و اتحاد طبقه کارگر در ایران دفاع می‌کنیم. ما از حق کارگران برای اعتراض و اعتصاب دفاع می‌کنیم. ما از رژیم ایران می‌خواهیم که کارگران، معلمان، نویسندگان، روشنفکران، وکلا و تمامی زندانیان سیاسی را از زندان‌ها فوراً آزاد کند.

در این نشست ما مشخصاً از کارگران هفت تپه و فولاد اهواز حمایت می‌کنیم و آزادی فوری نمایندگان دستگیر شده هفت را مطالبه می‌نماییم.

خود خواستار پایان دادن به این سرکوبگری‌ها شده است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
shahla.Daneshfar2@gmail.com  
http://free-them-now.com

۵ دسامبر ۲۰۱۸

اتحادیه ساختمان، جنگل، معدن و انرژی این نامه را در اعتراض به اعمال شما در قبال کارگران و فعالین کارگری در ایران می‌نویسد.

ما بویزه مطلع شدیم که ۱۵ تن از کارگران کارخانه هیپکو اراک بوسیله شعبه ۱۰۶ دادگاه کیفری به ریاست قاضی جنایتکار اکبر رضوانی به ۷۵ ضربه شلاق و بین ۶ ماه تا ۱ سال حبس محکوم شده‌اند.

اسامی کارگرانی که محکوم شده‌اند عبارتست از: «مسجد لطیفی»، «بهروز حسنونید»، «حمیدرضا احمدی»، «امیر هوشنگ پور فرزانگان»، «مرتضی عزیزی»، «هادی فاضلی»، «ابولفضل کریمی»، «فرید کودانی»، «مجید یحیایی»، «امیر فتح‌پور»، «یاسر قلی»، «امیر فرید افشار»، «مهدی عابدی»،

بدنبال تلاشهای ارسلان ناظری عضو کمپین برای آزادی کارگران زندانی و کمیته همبستگی بین المللی کارگری- ایران جلسه نمایندگان محلات اتحادیه ساختمان، جنگل و انرژی واحد استان نیوسات ولس استرالیا در همبستگی با کارگران در ایران طی قطعنامه‌ای حمایت خود را از مبارزات کارگران در ایران علیه فقر، بیکاری، فساد، تعویق پرداخت حقوقها و تبعیض و نابرابری اعلام داشت. این قطعنامه ضمن دفاع از حق تشکل، اعتصاب و اعتراض به عنوان حقوق پایه‌ای کارگران در ایران خواستار آزادی تمامی کارگران، معلمان، نویسندگان، روشنفکران، وکلا و فعالین اجتماعی زندانی شده است.

همچنین ریتا ملیا رئیس واحد استان این اتحادیه در پاسخ به نامه‌های «کمپین برای آزادی کارگران زندانی» طی نامه‌ای شدید الحن اعتراض خود را به سرکوبگری‌های حکومت اسلامی از جمله دستگیری اسماعیل بخشی و دیگر بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه و صدور احکام زندان و شلاق برای ۱۵ کارگر کارخانه هیپکو در اراک اعلام داشته و خواستار آزادی فوری اسماعیل بخشی و علی نجاتی و سپیده قلیان شده است. ریتا ملیا در نامه

# کارگران بیدارند، از استعمار بیزارند

## قطعنامه جلسه نمایندگان مجلات اتحادیه ساختمان، جنگل و انرژی واحد استان نیوسات ولس استرالیا در همبستگی با کارگران در ایران اسماعیل بخشی و همه دستگیر شدگان نیشکر هفت تپه باید آزاد شوند

“امیر فرید افشار”، “مهدی عابدی”، “علی ملکی” و “بهروز ولاشجردی”. بر اساس این “دادنامه” کذایی اجرای این احکام به مدت ۵ سال تعلیق میشود.

### قطعنامه جلسه نمایندگان مجلات اتحادیه ساختمان، جنگل و انرژی واحد استان نیوسات ولس استرالیا در همبستگی با کارگران در ایران

ما از مبارزات طبقاتی کارگران در ایران علیه فقر، بیکاری، فساد، تعویق پرداخت دستمزدها، گرانی و حقوقهای ناچیز، نابرابری و بیعدالتی، حمایت می نمایم. ما از حق تشکل و اتحاد طبقه کارگر در ایران دفاع می کنیم. ما از حق کارگران برای اعتراض و اعتصاب دفاع می کنیم  
ما از رژیم ایران می خواهیم که کارگران، معلمان، نویسندگان، روشنفکران، وکلا و تمامی زندانیان سیاسی را از زندان ها فوراً آزاد کند. در این نشست ما مشخصاً از کارگران هفت تپه و فولاد اهواز حمایت می کنیم و آزادی فوری نمایندگان دستگیر شده هفت را مطالبه می نمایم.

نجاتی و سپیده قلیان شده است. ریتا ملیا در نامه خود خواستار پایان دادن به این سرکوبگری ها شده است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
shahla.Daneshfar2@gmail.com  
http://free-them-now.com  
۵ دسامبر ۲۰۱۸

اتحادیه ساختمان، جنگل، معدن و انرژی این نامه را در اعتراض به اعمال شما در قبال کارگران و فعالین کارگری در ایران می نویسد. ما بویزه مطلع شدیم که ۱۵ تن از کارگران کارخانه هیکو اراک بوسیله شعبه ۱۰۶ دادگاه کیفری به ریاست قاضی جنایتکار اکبر رضوانی به ۷۵ ضربه شلاق و بین ۶ ماه تا ۱ سال حبس محکوم شده اند

اسامی کارگرانی که محکوم شده اند عبارتست از: “مجید لطیفی”، “بهروز حسونند”، “حمیدرضا احمدی”، “امیر هوشنگ پور فرزانهگان”، “مرتضی عزیزی”، “هادی فاضلی”، “ابولفضل کریمی”، “فرید کودانی”، “مجید یحیایی”، “امیر فتاح پور”، “یاسر قلی”،

بدنبال تلاشهای ارسلان ناظری عضو کمپین برای آزادی کارگران زندانی و کمیته همبستگی بین المللی کارگری- ایران جلسه نمایندگان مجلات اتحادیه ساختمان، جنگل و انرژی واحد استان نیوسات ولس استرالیا در همبستگی با کارگران در ایران طی قطعنامه ای حمایت خود را از مبارزات کارگران در ایران علیه فقر، بیکاری، فساد، تعویق پرداخت حقوقها و تبعیض و نابرابری اعلام داشت. این قطعنامه ضمن دفاع از حق تشکل، اعتصاب و اعتراض به عنوان حقوق پایه ای کارگران در ایران خواستار آزادی تمامی کارگران، معلمان، نویسندگان، روشنفکران، وکلا و فعالین اجتماعی زندانی شده است.

همچنین ریتا ملیا رئیس واحد استان این اتحادیه در پاسخ به نامه های “کمپین برای آزادی کارگران زندانی” طی نامه ای شدید الحن اعتراض خود را به سرکوبگری های حکومت اسلامی از جمله دستگیری اسماعیل بخشی و دیگر بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه و صدور احکام زندان و شلاق برای ۱۵ کارگر کارخانه هیکو در اراک اعلام داشته و خواستار آزادی فوری اسماعیل بخشی و علی

## ادامه حرکت شکوهمند کارگران فولاد اهواز در بیست و ششمین روز

## میلاذ عظیمی با کمک های مردم از مرگ حتمی نجات یافت!

عظیمی جلوگیری کند. کمک های بی دریغ شما مردم اکنون میلاذ را نجات داده است و ما دست همه شما را به گرمی می فشاریم. ما مخالف اعدام هستیم. ما معتقدیم که مرگ یک جوان را نمی توان با قتل یک جوان دیگر جبران کرد. نه فقط به این خاطر که جوان مقتول دوباره زنده نخواهد شد بلکه به این خاطر که اینبار جنایت از سوی دولت و دستگاه قضایی ادامه پیدا می کند. اعدام قتل عمد دولتی است و جمهوری اسلامی به بهانه های متفاوت می خواهد بساط اعدام و آدمکشی را برای حفظ حاکمیت و آدامکشی را برای حفظ حاکمیت ننگینش نگه دارد. افزون بر این جمهوری اسلامی با قوانین قرون وسطایی قصاص تلاش می کند که خانواده های مقتولین را در این جنایت سازمان یافته دولتی سهیم کند. ما خواهان لغو مجازات اعدام از قوانین کشور و همه قوانین ارتجاعی قصاص هستیم.

کمیته بین المللی علیه اعدام  
۱۵ آذر ۱۳۹۷ - ۶ دسامبر  
۲۰۱۸

کمیته بین المللی علیه اعدام با مسرت تمام اعلام می کند که میلاذ عظیمی با کمک بی دریغ شما مردم از اعدام نجات یافت. میلاذ عظیمی در سن ۱۶ سالگی متهم به قتل فردی در یک نزاع شده بود. او در سال ۹۲ دستگیر شد و در سال ۹۴ زمانی که به سن ۱۸ سالگی رسیده بود از سوی دادگاه محکوم به اعدام شد.

خانواده مقتول پذیرفت که در عوض پرداخت مبلغ ۵۰۰ تومان بعنوان دیه حاضر به بخشش میلاذ است. خانواده میلاذ عظیمی در این رابطه از مردم کمک خواستند و نهایتاً این مبلغ با همیاری مردم جمع آوری شد. سپس خانواده مقتول رضایت داد و میلاذ از مرگ نجات پیدا کرد. انتظار می رود که میلاذ به زودی از زندان دیزل آباد کرمانشاه آزاد شود.

کمیته بین المللی علیه اعدام به سهم خود تلاش کرد که با انتشار ویدئو پدر و مادر میلاذ که در آن از مردم در خواست کمک کرده بودند، از اعدام میلاذ

شدگان نیشکر هفت تپه هستند. اعتراضات کارگران فولاد اهواز یک فاز مهم از جنبش اعتراضی و کارگری را در ایران رقم زده و به موجی از همبستگی در میان بخشهای مختلف جامعه از جمله کارگران، معلمان، دانشجویان و بازنشستگان دامن زده است. صدای این کارگران اکنون از رسانه ها و مدیای متنوعی بازتاب داده میشود و همراهی و سمپاتی وسیعی را برانگیخته است.

ما همه کارگران و مردم را به حمایت و پشتیبانی هرچه فعالتر و گسترده تر از خواستها و اعتراضات کارگران فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه و دفاع از آزادی اسماعیل بخشی و علی نجاتی و سپیده قلیان فرا میخوانیم.

پیش بسوی اعتصابات سراسری  
پیش بسوی ایجاد شورا ها  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۴ آذر ۱۳۹۷، ۵  
دسامبر ۲۰۱۸

در این مدت از مبارزات ما کارگران حمایت کردند. تقدیم به دانشجویانی است که صدای حق ما را شنیدند و کنار ما ایستادند. و این خار به چشم کسانی که جلوی شما را گرفتند و میخواستند مانع شوند. ما هم خار میشویم توی چشمشان. این سخنان با هورا و کف زدن کارگران پاسخ گرفت.

شعارهای اعتراضی کارگران در این روز عبارت بودند از: “مشکل ما حل نشه، اهواز قیامت میشه”، “مرگ بر مافیا”، “مردمو ذله کردن، اسلامو پله کردن”، “نه حاکم نه دولت، نیستن به فکر ملت”. این شعارها با همراهی هزاران نفر از کارگران و مردمی که در صفوف آنها بودند فریاد زده میشد و به فضای شهر اهواز شور و التهاب ویژه ای داده بود.

کارگران فولاد اهواز نیز همچون کارگران نیشکر هفت تپه خواهان پرداخت تمامی طلبهای مزدی خود، قطع دست بخش خصوصی و نظارت کارگران بر شرایط کارشان و آزادی دستگیر

اعتصاب و اعتراضات کارگران گروه ملی فولاد اهواز با قدرت ادامه دارد. امروز ۱۴ آذر کارگران گروه ملی فولاد اهواز در بیست و ششمین روز از اعتراضاتشان در سطح شهر دست به راهپیمایی زدند و در مقابل مراکز مختلف دولتی شعارهای اعتراضی سر دادند.

کارگران فولاد اهواز مصممانه در کنار کارگران نیشکر هفت تپه ایستاده اند و شعارهای “زندانی هفت تپه آزاد باید گردد”، “کارگر زندانی آزاد باید گردد” را با صدای رسا فریاد میزدند و خواهان آزادی اسماعیل بخشی و علی نجاتی و سپیده قلیان این بازداشت شدگان هفت تپه شدند. یکی از صحنه های شورانگیز اعتراضات کارگران گروه ملی در این روز سخنرانی کریم سیاحی از فعالین کارگری فولاد اهواز در میان کارگران بود. او ضمن تاکید بر ادامه مبارزات این کارگران شاخه گلی را به دست گرفت و اعلام کرد “این شاخه گل تقدیم میشود به همه دانشجویانی که

## پیام کارزار "دوشنبه ها در دورتموند" در آلمان در همبستگی با دستگیر شدگان نیشکر هفت تپه

روز سوم دسامبر "کارزار دوشنبه ها در دورتموند" در آلمان، کارزار مبارزه علیه تخریب محیط زیست، در پاسخ به نامه اضطراری کمپین برای آزادی کارگران زندانی تحت عنوان "آنها برای نان و آزادی اعتصاب کرده اند" همبستگی خود را با مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده و در آن خواستار آزادی اسماعیل عبدی، علی نجاتی و سپیده قلیان شده است. این کارزار خواستار پاسخگویی

کامل به خواسته‌های کارگران نیشکر هفت تپه شده است. ... کمپین برای آزادی کارگران زندانی

**ترجمه فارسی نامه حمایتی "کارزار دوشنبه ها در دورتموند آلمان"**

در همبستگی با اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه آنها برای نان و آزادی اعتصاب کرده اند

کارگران نیشکر هفت تپه همچنین برای آزادی رهبران شان که توسط پلیس ایران دستگیر

## پیام همبستگی معاون اتحادیه پست کانادا در حمایت از کارگران ایران و برای آزادی اسماعیل بخشی

بدنبال تماس داود آرام عضو کمپین برای آزادی کارگران زندان با اتحادیه پست کانادا، دیو بلسکنی معاون اتحاد پست کانادا در پاسخ به نامه اضطراری این کمپین در رابطه با حمایت از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و برای آزادی اسماعیل بخشی، در آکسیونی که به این مناسبت در روز اول دسامبر در اتاوا برگزار شده بود، شرکت و

پیام همبستگی داد. وی در پیام خود میگوید: "ما در کنار رفقا، خواهران و برادران کارگر خود در ایران هستیم و از تلاش و مبارزه هر روزه آنان برای یک زندگی بهتر و یک دنیای بهتر دفاع میکنیم." او در سخنانش خواستار آزادی فوری اسماعیل بخشی و تمام بازداشتی های هفت تپه و کارگران زندانی در ایران شد. دیو بلسکنی همچنین اطلاع داده

اطلاعیه شماره ۱۷

## زنده باد همبستگی بین المللی با کارگران هفت تپه و فولاد

**فراخوان اتحادیه سراسری حمل و نقل جاده ای متحد انگلستان در دفاع از کارگران هفت تپه و فولاد و برای آزادی دستگیر شدگان!**

فراخوان اتحادیه سراسری حمل و نقل جاده ای متحد انگلستان (یو آر تی یو) به کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد برای اقدام فوری جهت آزادی کارگران زندانی هفت تپه و حمایت از تظاهرات کارگران

تاریخ ۳ دسامبر ۲۱۰۸

**دستگیری فعالان کارگری در ایران**

حکومت ایران که از اعتصاب و تظاهرات کارگران شجاع کارخانه نیشکر هفت تپه، به هراس افتاده،

علی نجاتی، رئیس سابق اتحادیه کارگران نیشکر هفت تپه را همراه با فرزندش دستگیر و آنها را به یک محل ناشناخته منتقل نموده است. نیروهای سروکوبگر او را در حالی که از بیماری قلبی رنج برده و به شدت بیمار بود، دستگیر و زیر ضرب و شتم قرار دادند.

پیش از آن در هفته گذشته، اسماعیل بخشی، نماینده اتحادیه کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه، دستگیر و شدت مضر بود.

علی رغم این دستگیری ها و حضور نیروهای نظامی در شهر شوش، کارگران شجاع کارخانه نیشکر هفت تپه اعتراض خود را ادامه داده اند. آنها در تجمعی که در مقابل استانداری داشتند، شعار دادند:

## اطلاعیه شماره ۱۸

۵۱ وکیل دادگستری در دفاع از خواسته‌های کارگران در ایران و ویژه هفت تپه و فولاد، بیانیه ای را امروز صادر کردند، آنها اعلام آمادگی میکنند برای وکالت و دفاع از کارگران!

همبستگی بین اقشار مختلف مردم ایران عمیق تر میشود!

## بیانیه ۵۱ تن از وکلای دادگستری در حمایت از حقوق کارگران معترض سراسر ایران

آنان که دل و عقل در گرو عدالت دارند همیشه نسبت به عدالت و رفع تبعیض ناروا در جامعه حساس بوده، دغدغه‌های جدی داشته و دارند.

معمولاً انواع مختلف قدرت (سیاسی، مالی و...) خاستگاه ظلم و تبعیض می‌باشد و تلاش برای عدالت، معنایی غیر از تلاش برای تعدیل قدرت و حمایت از اقشار ضعیف در مقابل صاحبان قدرت ندارد.

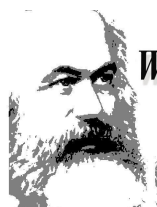
از جمله اقشار ضعیف در جوامع، کارگران هستند که همیشه از جانب صاحبان سرمایه و پول مورد ظلم قرار گرفته‌اند و حمایت از آنها گامی به سوی عدالت خواهد بود.

با عنایت به اعتراضات اخیر کارگران نسبت به جفاهایی که در حق آنها رفته است و رسالت وکلای دادگستری در دفاع از حقوق جامعه و برقراری عدالت، ما جمعی از وکلای دادگستری ضمن حمایت از اعتراض کارگران در نقاط مختلف کشور به ویژه خوزستان، آمادگی خویش را برای اعلام وکالت از آنها اعلام می‌نمایم.

به حکومت نیز اندرز می‌دهیم که با سرلوحه قرار دادن اصول ۲۰، ۲۲، ۲۷، ۲۸، ۲۹ و بند های ۲ و ۴ اصل ۴۳ قانون اساسی و میثاق‌ها و مقاوله نامه‌های بین‌المللی که آنها را امضاء کرده است، به جای برخورد با کارگران، به تکالیف قانونی خود در حمایت از آنها عمل کرده و به خواسته‌های به حق آنها تمکین و زمینه‌ی تحقق آنها را فراهم نماید.

۱- آرش رجبی کرمانشاهی ۲- سمیه سلیمی ۳- پروانه شهسواری ۴- سارا اله یسی ۵- حسن رنجبر ۶- شهاب تجری ۷- کیوان عزیزی ۸- سیروس آزادی ۹- محمدرضا پشمی ۱۰- وحید کریم پور ۱۱- اردشیر محمدی ۱۲- حسین ناصری ۱۳- امیرحسین پویان فر ۱۴- الهام الماسی ۱۵- صالح نیک بخت ۱۶- مصطفی احمدیان ۱۷- سید محمد اکبری ۱۸- حجت اله مرادی ۱۹- پرویش هاشمی ۲۰- نعمت فلاحت‌پیشه ۲۱- روح اله پیروزی نژاد ۲۲- یزدان گل محمدی ۲۳- مریم انصاری پور ۲۴- نجمه شاه آبادی ۲۵- حامد دارابی ۲۶- معصومه راحمی ۲۷- مصلح قربانی ۲۸- حیدر خدامرادی ۲۹- اسماعیل سالاری پور ۳۰- امیر سجادی ۳۱- مازیار طاطائی ۳۲- عرفان عارفی ۳۳- آرش کمانگر ۳۴- کامل خلیلی ۳۵- میثم عزیزخانیاں ۳۶- شهین اسمعیلی ۳۷- عبداللطیف ولدبگی ۳۸- بهروز نعلینی ۳۹- حسین احمدی نیاز ۴۰- حسین آزریده ۴۱- مهرداد مهری ۴۲- سجاد خسروی ۴۳- احسن حسن پور ۴۴- فریدون دندانمزد ۴۵- عبدالعظیم برومندیان ۴۶- عثمان مزین ۴۷- کامران مرادخانی ۴۸- مرضیه سادات رضوی ۴۹- هومن علیزاده ۵۰- کورش حافظی مقدم ۵۱- فواد متوسل.

کمپین آزادی اسماعیل بخشی  
۱۷ آذر ماه ۱۳۹۷  
۵ دسامبر ۲۰۱۸



**WE STILL NEED MARX  
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran  
www.wpi.org

## مجمع عمومی کارگران فولاد اهواز بر ادامه اعتراض تاکید گذاشت

شرایط برده وار کار و اختلاسها و چپاولها اعتراض دارند. مقامات حکومت اسلامی سرمایه داران به هر شکلی تقلا میکنند که مانع ادامه این اعتراضات شوند و به این شکل آشکارا از چپاولگران و دزدان و دشمنان کارگران حمایت و پشتیبانی میکنند. این نقلها و تلاشها نفرت و انزجار همه کارگران و مردم را علیه این حکومت تشدید میکند. باید فعالانه از کارگران فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه حمایت کرد و صدای آنها را بازتاب داد.

حزب کمونیست کارگری ایران

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ آذر ۱۳۹۷، ۶ دسامبر ۲۰۱۸

میشد دید. جمهوری اسلامی برای خواباندن این فضای قدرتمند اعتراض با چنین ابعادی اجتماعی، به تهدید و فشار بر روی کارگران گروه فولاد اهواز شدت داده است. از جمله بنا بر خبرها در روز ۱۴ آذر بدنبال اعتراضات با شکوه این کارگران تعداد ده نفر از کارگران فولاد اهواز به اطلاعات اهواز احضار شده اند. در بازجویی این کارگران را بخاطر تظاهرات های خیابانی زیر فشار گذاشته و به آنها اخطار کرده اند که چنانچه در روز ۱۷ آذر تجمعات خیابان کارگران ادامه پیدا کند، نسبت به توقف تجمعات اعتراضی آنها برخوردی لازم صورت خواهد گرفت. پاسخ این تهدیدات را کارگران با شعار نه تهدید، نه زندان، دیگر فایده ندارد در اعتراضاتشان داده اند.

کارگران فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه به نپرداختن دستمزدها و

اطلاعیه شماره ۱۶

کارگران گروه ملی فولاد اهواز اعلام همبستگی و پشتیبانی کردند. اعتراضات کارگران فولاد اهواز در کنار اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه با موجی از همبستگی و پشتیبانی روبرو شده است. این اعتراضات شهر شوش، شهر اهواز و کل بخش های اعتراضی جامعه را به تحرك در آورده است. صدای اعتراض این کارگران را امروز در دانشگاههای مختلف رستار از هر وقت می شنویم. کارگران گروه ملی فولاد اهواز در اعتراض روز گذشته شان شعار "کارگر، معلم، دانشجو اتحاد، اتحاد" را سر دادند. هم اکنون از شهرهای مختلف برای شرکت در اعتراضات کارگران گروه فولاد اهواز شرکت میکنند و اعلام حمایت میکنند. بنا بر خبرها روز گذشته کارگرانی از نیشکر هفت تپه در تجمعات اعتراضی کارگران گروه ملی شرکت کردند. از جمله در صف تظاهرات کارگران چهره محمود صالحی فعال شناخته شده کارگری را

خواست فوری آنهاست. از جمله شعارهایی چون شعار زندانی هفت تپه آزاد باید گردد، کارگر زندانی آزاد باید گردد به شعار هر روزه این کارگران تبدیل شده است. بعلاوه در روز گذشته این کارگران با شعار نه تهدید، نه زندان دیگر فایده ندارد بر ادامه اعتراضاتشان تاکید کردند و جواب سرکوبگری های حکومت را دادند. کارگران گروه ملی فولاد اهواز در روز گذشته با فریاد شعار "استثمار، بیکاری، پرچم سرمایه داری" صدای اعتراض کل جامعه را علیه سرمایه داری و بساط استثمار و توحش فریاد زدند. این کارگران در اعتراضاتشان با اعلام اینکه کارگر، معلم، بازنشسته همه يك درد دارند از همه مردم خواستار حمایت و پشتیبانی شدند. در حرکت اعتراضی روز گذشته کارگران گروه ملی، کارگرانی از نیشکر هفت تپه شرکت کردند. همچنین سنديکای نیشکر هفت تپه طی بیانیه ای از مبارزات

ساعت ۹ صبح امروز کارگران گروه ملی فولاد اهواز بنا بر قرار اعلام شده قبلی و بدنبال احضار تعدادی از همکارانشان در روز گذشته، مجمع عمومی خود را تشکیل دادند. در این مجمع کارگران بطور متحدانه بر ادامه تجمعات خیابانی تاکید کرده و اعلام نمودند که تا رسیدن به خواستهایشان به اعتراض خود ادامه خواهند داد و تسلیم هیچ فشار و تهدیدی نخواهند شد.

تاکید این کارگران بر ادامه اعتراضاتشان است. اعتراض این کارگران به دزدی ها و چپاول های مالکین کارخانه که موجب تعطیلی کشیده شدن تولید در بخش های مختلف کارخانه و خطر بیکار شدن آنها از کار شده است و نیز تعویق پرداخت دستمزد ها و نپرداختن آن در سر موعدها و ماه و داشتن حق تشکل است. در عین حال آزادی بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه، اسماعیل بخشی، علی نجاتی و سپیده قلیان يك

اطلاعیه شماره ۱۵

## پرونده سازی جدید برای علی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

الارض، و هر گاه خواستند دهانها را ببندند گفتند مخل نظم عمومی و اکنون میخواهند با رهبران کارگری تسویه حساب کنند و از اتهام "هدایت اعتصاب کارگران" !! حرف میزنند. عجب اتهام بزرگی!! حکومت اسلامی البته کور خوانده است با دستگیری اسماعیل بخشی و علی نجاتی دید که نه فقط کارگران ساکت نشدند، بلکه دهها اسماعیل بخشی و علی نجاتی سر بر آوردند، و دنیا علیه این حکومت به تکاپو افتاد و رفتار سرکوبگرانه حکومت را محکوم کرد. به گفته وکیل ایشان، آقای نجاتی دارای بیماریهای قلبی و عروقی و کلیه و پروستات میباشد. و این دستگیری و شکنجه و سلول انفرادی و بازجویی های طولانی و فشار روحی و جسمی برای این کارگر

مقامات دادستانی برای علی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکا در شعبه سوم دادرسی انديشمشك پرونده جدیدی با موضوع اخلال درنظم عمومی و هدایت اعتصابات کارگران، علیه وی مطرح کردند و اکنون در بازداشت گاه امنیتی اهواز بسر میبرد. جمهوری اسلامی ایران که زیر فشار کوبنده اعتصاب و اعتراضات کارگران هفت تپه و فولاد است و همبستگی بین المللی و میلیونی با این کارگران را شاهد است، مشغول پاپوش دوزی های تازه بر علیه فعالین کارگری است. اخلال در نظم عمومی و اتهامات صد من يك غاز حکومت برای سرکوب مردم، تشبثات کثیف و بسیار آشنایی است، اینها هر وقت خواستند بکشند گفتند مفسد فی

رزمنده بسیار خطرناک است. علی نجاتی تا کنون با خانواده و وکیل خود تماسی نداشته است. هر اتفاقی برای علی نجاتی بیفتد، مستقیماً حکومت اسلامی و جلادان و شکنجه گران این حکومت مسئول هستند. کمپین آزادی اسماعیل بخشی از همگان دعوت میکنند بهر طریق ممکن به این سرکوبگریهای حکومت اسلامی اعتراض کنند. و باید در سراسر جهان به اعتراضات خود ادامه دهیم تا حکومت مجبور شود اسماعیل بخشی سپیده قلیان و علی نجاتی را آزاد کند.

کارگر هفت تپه آزاد باید گردد!  
کمپین آزادی اسماعیل بخشی  
۱۴ آذر ۱۳۹۷ / ۵ دسامبر ۲۰۱۸

## عسل محمدی مدافع کارگران هفت تپه و دانشجوی داروسازی دستگیر شد!



عسل محمدی فعال کارگری و دانشجوی داروسازی واحد علوم دارویی دانشگاه آزاد تهران روزسه شنبه ۱۳ آذر ماه ۱۳۹۷ در منزل مسکونی خود بازداشت و به مکان نامعلومی برده شد.

از عسل محمدی مقالات متعددی در دفاع از حقوق کارگران و اخیراً در دفاع از کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد منتشر شده است. جمهوری اسلامی ایران با گسترش یافتن اعتراضات کارگران و مردم بجان آمده از فقر و گرانی و سرکوب حکومت اسلامی، به تهدید و احضار فعالین کارگری دست زده و عسل محمدی یکی از فعالینی است که روز گذشته دستگیر شده است.

رژیم دستگیری او را يك اقدام پیشگیرانه اعلام کرده است. کمپین آزادی اسماعیل بخشی، دستگیری و احضار و اعمال فشار به فعالین کارگری را بشدت محکوم کرده و خواهان آزادی فوری اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، علی نجاتی و عسل محمدی است. کمپین آزادی اسماعیل بخشی  
۱۴ آذر ماه ۱۳۹۷ / ۵ دسامبر ۲۰۱۸

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

اسماعیل را گرفتند، ما همه بخشی هستیم